





# «سود تضمین شده»، تفاوتی با «ربا» ندارد

## مصاحبه با دکتر حسن توانایان فرد درباره سیاستهای پولی جدید دولت و حذف نرخ بهره

است: ● همانطور که اطلاع دارید، وزارت اقتصاد و امور بازرگانی اعلام کرده که نرخ بهره از سیستم بانکی ایران حذف شده است. نظر شما در این باره چیست؟

توانایان فرد: چقدر درآورد است که بنام اسلام و توسط آنکه ادعا میکند که سیستم بانکاری اسلام را آنهم برای اولین بار اجرا میکنند دست طرعی عنوان شده که حذف اسلام و قرآن است. آنچه در این باره میگویم تنها به عنوان انجام وظیفه در مقابل ولی امر امام زمان حضرتین الحسن العسکری (عج) میباشد. یقیناً امام زمان از این که مشاهده میکنند گروهی با تغییر نام ربا و بهره به سود و سودیزه میکنند تا بنام اسلام سرمایه‌داری را بخورد مردم دهند و دوباره عده‌ای فروتنند و اکثریتی فسق و مستضعف بوجود آورند. رنج میرسد، آری آنچه بنام طرح جدید بانکاری اسلامی عنوان شده است و آنرا یک طرح انقلابی که در جهان بی‌سابقه بوده است مردم منتظر و تشنه اقتصاد اسلامی عرضه کرده‌اند چیزی جز همان سیستم بانکاری سرمایه‌داری نییافت که در آن نام بهره به سود تبدیل شده است. زیرا تغییر نام بهره به سودیزه، ماهیت آنرا که پرداخت اضافه به پس‌انداز کنندگان میباشد عوض نمیکند. پس انداز کنندگی که در مقابل اضافه دریافتی (سود) تضمین شده ۷/۵ درصد) نه کاری انجام میدهد و نظری را میبندد.

● مسکن است مستضعف در پاره مشکلات اقتصادی که نرخ بهره در جامعه بوجود میآورد بگره‌بند؟

توانایان فرد: سیستم اقتصادی که آلوده به ربا باشد بی‌نهایت خواهد بود و مانند فردی چن‌زده که گاهی سرباست و تا گه‌ها همزیمین میکند زمانی در حال روتق است و گاهی همزیمین و بی‌کاری دچار میشود. در چارچوب سیستم سرمایه‌داری آمریکا و فیه سرمایه‌داری ایران که بهر با آلوده است به علت وجود همین ربا دچار نوسانات اقتصادی میشود گاهی اقتصاد پر رونق است و تورم به شدت میکند و زمانی رکود است و ورشکستگی، بهین دیگر وجود ربا که همان بهره بانکی است و در اینجا همین سودیزه است سبب بروز سرگیجه اقتصاد میشود.

آیا مردمی که ۶۰ هزار شهید داده‌اند که در زیر سایه استقرار اقتصاد قسط‌آمیز اسلامی از فقر بیچاره‌های اقتصاد سرمایه‌داری در امان باشند باید صرفاً به علت حمایت از سرمایه‌داران، آنرا را دوباره به زنجیر اقتصاد مریض سرمایه‌داری ربا آلود کنید؟

است: ● با این وصف، بنظر شما تدوین کنندگان سیاست جدید پولی ایران، عمل خود را چگونه توجیه میکنند؟

توانایان فرد: در صفحه ۱۵۶ کتاب پول، نظریات پیشرفته، از منابع غربی آورده‌ام که در اروپا بعضی از روحانیون کلیسا برای توجیه ربا و حمایت از سرمایه‌داران، معتقد بودند که چون قیمت‌ها افزایش پیدا میکند برای حفظ ارزش پول پس‌انداز کنندگان باید بهره‌ای برابر با نرخ تورم به پس‌انداز کنندگان پرداخت شود و می‌گفتند که این بهره، در واقع نیست، با کمال تعجب برادران مسلمان ما که روزی خود از: تغییر نام بهره به ربا و یا هر حیل اقتصادی دیگری منتظر بودند امروز دست دوستی سال بطلب برگشتند و ابتدا اعلان داشتند که ما بهره را از سیستم بانکی برمی‌داریم و برابر نرخ تورم هر سال پاداش به پس‌انداز کنندگان می‌پردازیم. غافل از اینکه در گذشته دور اروپا تورم ۷۰٪ و ۶۰٪ بوده ولی امروز مسکن است تورم به ۶۰٪ هم برسد و آنگاه باید دولت به پس‌انداز کنندگان بهای ۷ درصد طاغوت، ۶۰ درصد بهره ولی با نام مستعار پاداش بپردازد. بدین دلیل بود که از طرح مذکور چشم پوشیدند و اینبار اعلان کردند که به پس‌انداز کنندگان یک حداقل سود تضمین شده ۷/۵ تا ۸/۵ درصد می‌پردازیم. دلیل این امر را نیز چنین قلمداد میکنند که چون پس‌اندازهای مردم در کار تولیدی جریان میکند و چون وام گیرنده از راه تولید سود بدست می‌آورد لذا باید سهمی از سود مذکور را تضمین کند که به بانک و از آن طریق به پس‌انداز کنندگان بدهد و نام این طرح اهلانگراته را یک طرح انقلابی که در دنیا بی‌سابقه بوده است می‌گذارند.

است: بنظر شما در آینده با این طرح مسوولیتی بدست خواهیم آورد؟

معلوم للساؤل والمحرور - در صورت آسان حق آساکار محرومین است. آیا در حکومت اسلامی که قرآن میفرماید باید اسامتهارا باصاحتش رد کرد و حضرت علی (ع) میفرمود اگر ثروت خود را که حق محرومین است کابین دخترانشان کرده باشند پس میگویم باید اجازه دهد که ثروتشان را از بانکها بیرون بکشند و یا باید آنها را بشفیع صاحبان اصلی آن یعنی تسوده مستضعف مصادره نماید؟

۲ - ایجاد جامعه‌ای با اقتصاد فیه سرمایه‌داری که در آن حکومت اسلامی از طریق بانکاری دولتی مردم را به فعالیت‌های ربوی تشویق میکند و در نتیجه بهدایش روح استثمار و سودگیری عده‌ای صاحب پس‌انداز از افراد غیر صاحب پس‌انداز جامعه، جامعه فرک جلی جامعه بی‌طبقه توحیدی را غصب میکند و بناچار نوسانات اقتصادی و سرگیجه اقتصاد سود و ربا، گاهی تورم و زمانی بی‌کاری و ورشکستگی اقتصادی را بوجود می‌آورد.

۳ - تشدید استثمار طبقاتی سوسین زبان طرح بانکاری با اصطلاح اسلامی آقیانان است. بر اساس طرح مذکور قرار بر این شده که در بخش ساختمان، کشاورزی و صنایع مورد نظر، نرخ بهره بسیار کم در نظر گرفته شود که نام کار مزد ۴ درصد در سال است و در مواقعی نیز ممکن است به کمتر از این نیز برسد پرداخت وام‌های مذکور که از محل پس‌انداز مردم پرداخت میشود، هزینه بسیار زیادی را بگره بانکی قرار میدهد. این هزینه از آنجا ناشی میشود که بانکی باید به پس‌انداز کنندگان ۷/۵ درصد سود بدهد ولی خود بطور متوسط ۲ درصد سود دریافت کند. فاصله بین این دو نرخ یعنی ۵ درصد یا کم و بیش را چگونه باید تأمین کرده میگویند از طریق سودی که در سایر رشته‌های اقتصادی بانک بدست می‌آورد هزینه مذکور جبران میگردد. این سود را باید از حق گروهی پس‌انداز کنند که در یک بانک تخصصی صنعتی که سود آورتر است پرداخت و به عده‌ای دیگر که در بانکهای دیگر پس‌انداز کرده‌اند پرداخت و ماهی را از درآمد نفت جبران کرد و یا باید کل هزینه اضافی بانک را از درآمد نفت مستعلق به تسوده پرداخت و به پس‌انداز کنندگان پرداخت. در هر شکل قضیه استثمار فراد فرود و با استثمار انسان از انسانیت (جامعه) تحقق پیدا میکند.

۴ - پیدایش و ابلیط طبله انگل: بسیاری از افرادی که امروز در حالیکه هنوز قادر به کار کردن هستند ولی به علت دامن چندین ده‌لیون تومان پس‌انداز در بانکها درآمد هنگفتی از محل بهره آن دریافت میکنند و همین جهت به کار دل میگردند و مانند یک انگل از محل ربا که همان تبلور کار دیگران است ارتزاق میکنند. آنچه که اینان انجام میدهند، خوش گذرانی است و آنچه که طبقه مستضعف انجام میدهد تولید کالاست که این خوش گذرانیها با ربانی که بنام سود تضمین شده دریافت میکنند صورت میگیرد.

# استراتژی آمریکا در قبال

بقیه از صفحه ۳

ولی ما بخلق ایران امیدواریم و مردم ما خواهند توانست تمامی توطئه‌های آمریکا را بپرویزندانه پشت سر بگذارند چرا که آگاهی مردم ما فزونی یافته است. و اکنون انقلاب ایران به عنوان جوهر جنبش‌های مطلقه و بلکه جهان تخصص یافته و میروند تا ضرب‌های کاری بر پیگر رو به انحصار امپریالیسم وارد نماید. در حال حاضر جنبش ما افراس را بر کشورهای مساجور نظیر پاکستان، بنگلادش عربستان و لبنان و... گذاشته است و اکثر کشورهای مترقی جهان و تمامی جنبش‌های آزادی‌بخش از ما حمایت کرده‌اند و هر روز هم دامنه این حمایت و نفوذ افزایش می‌یابد و این جریان دارد بسود ایران تمام میشود. و اگر حرکت ما بر علیه امپریالیسم مداوم باشد - که این مسئولیت تک‌تک ماست - آمریکا ضربه استراتژیک خورده و تاریخ بنفع ما تمام خواهد شد.

در فرایط کنونی ما در سنگر بندی مقدسی هستیم، در سنگر مبارزه با امپریالیسم، بخصوص که توده وسیع عده اسام نیز هم عقیم می‌باشند به مبارزه‌مان بخشیده‌اند. یعنی مبارزه با امپریالیسم را تبیین میکنی نموده‌اند. اسام آمریکا را فیضان بزرگ خطاب می‌کنند. هر کسی که حج رفته باشد می‌داند که در مراسم حج سه فیضان وجود دارد ابتدا فیضان بزرگ (تضاد عده) را رجم می‌کنند بعد فیضان متوسط (تضاد اصلی) و فیضان یعنی (تضاد فرعی) است که رجم میشود بعد دوباره باز می‌گردد و رجم می‌کند که مهاده در مبارزه با دشمن خود دچار ساده‌اندیشی شده

# ادامه افشای جریان وابسته

بقیه از صفحه اول

بهنام و افرادی تا بحال با اتهامات و خیانت‌های گوناگون از دولت و کارهای مهم دولتی کنار گذاشته شده و یا فراری‌اند. مسئله را مورد تجزیه و تحلیل قرار بدهیم، عمق فاجعه و خیانت را نسبت به انقلاب و خلق مستعبدمان درک خواهیم کرد. این افراد و عناصر را هر چند که در ارگانها و موقعیت‌های مختلف دولتی به «انجام وظیفه» مشغول بودند و هستند باید بصورت عناصر و مهره‌های یک جریان در خدمت منافع امپریالیستی بصورت آگاهانه و یا ناآگاهانه دید که هر کدام به نحوی به رشد و گسترش سلطه امپریالیسم جهانی بر سرکردگی آمریکا کمک می‌کنند.

اسناد خیانت و سرسپردگی امپراتورمخرب و امپریالیسم آمریکا بقدری روشن و واضح است که حتی هر کدام از آنها به سستی‌های برای روشن شدن روابط‌اش در جهت بسازگشتی دست امپریالیسم آمریکا وسلطه مجدد در ایران کافی است. هسانطوریکه در هفته گذشته دیدیم، با اوج گیری مسئله جاسوسی امپراتورمخرب افراد و عناصر زیادی به اظهار نظر پرداخته و از این اتهامات میرا داشتند که از آن جمله میتوان آقای هاشمی رفسنجانی و بخصوص مهندس بازرگان را یادآوری کرد.

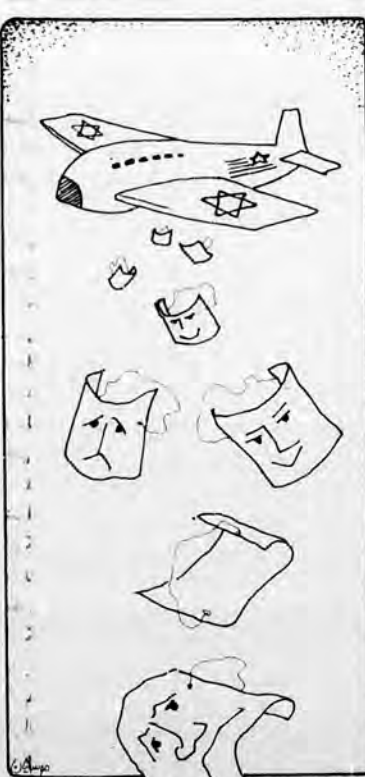
آقای بازرگان معتقدند که «مذاکرات و روابط‌های امپراتورمخرب با آمریکا جنبه جاسوسی نداشته و دلیلی برخیاخت وی نیست و بلکه کلاً در جهت منافع ایران دور میزده است» آنچه کلاً از مصاحبه‌های بازرگان با روزنامه «امداد» (شماره ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰) برمی‌آید اینست که ایشان تمامی روابط و ملاقات‌های امپراتورمخرب را در دور یک رابطه دیپلماتیک که بین دول و سفرا و نمایندگان دولتها امریست عادی و معمولی، می‌گذارند. در حالیکه به سانسور حتی سطحی به ملاقات‌ها و اسناد و مدارک موجود و مذاکرات رد و بدل شده بین وی و کاردار سفارت و سفارت و سایر جریان بوده، این مسئله از سطح یک رابطه دیپلماتیک بالاتر می‌رود. بنا به توجیه به اهمیت مسئله و مصاحبه آقای بازرگان اصلاً به بررسی سندی ارا تده از طرف دانشجوین می‌پردازیم.

## سند اول

۱ - سند اول: در توصیفی که کاردار لینگن از امپراتورمخرب به عنوان یک فرد باهوش و ماهر میکند متذکر میشود که ولی خالصانه میگوید تا روابط همین‌ها را مجدداً برقرار نماید. اندک توجیهی به مواز «خالصانه» و توصیفی که کار میکند مشخصه میزان سرسپردگی و نوکری امپراتورمخرب است جا دارد از آقای بازرگان که سعی دارد خدمات او را تمام در جهت خلق تلقی میکند سؤال کنیم که آیا کوشش خالصانه آنهم از زبان یک مامور سلیبی سا چون لینگن - در کدام جهت است؟ در جهت نظام سلطه سرمایه‌داری یا خلق مستضعف و مستعبد ما؟

۲ - سند دوم: «سپا سایل است که در استکلم تبادل اطلاعات بعد از دم ستیامیر انجام گرفته. اولاً این مسئله نشان میدهد قبلاً گفتگو‌هایی در رابطه با تبادل اطلاعات بوده و فائبا آقای امپراتورمخرب در تعیین وقت از طرف سازمان سپا بر می‌آمده است. از آقای بازرگان باید سؤال کرد که: شما که ادعا میکنید در برخورد با اسناد امریکائی از مساهبت آسان و وابستگی فنان به سپا یا سایر مراکز جاسوسی مطلع نبوده‌اید و با آسان صرفاً به عنوان نماینده‌های دولت آمریکا ملاقات و مذاکره با چنین عناصری را مردود و خیانت می‌دانید، آیا روابط فیمابین را سفیر و نماینده شما باید با «سپا» برقرار می‌کند؟ آیا شما تبادل اطلاعات را با «سپا» در سطح یک رابطه دیپلماتیک قلمداد میکنید؟ اگر اسم جاسوسی را روی این قبیل روابط نمی‌گذارید آیا قبول دارید که در رابطه با آمریکا با «سپا» باید تماس گرفت؟ شما که ادعا میکنید من حیث المجموع تمام کارهای ایشان در جهت انجام وظیفه بوده و حتی در استکلم مذاکرات ایشان نه تنها جنبه فصولی و سوه نظر و خیانت نداشته و کلیه آنها در جهت منافع ایران دوره میزده است

روز جمعه نسرود جدیدی بر علیه امپریالیسم و با یگانهای بدست توانای خلق گشوده میشود و ما امیدواریم همراه و همگام با خلق بی‌خاسته ایران این مبارزه مقدس را تا نافی کامل استثمار انسان از انسان و تحقق جامعه توحیدی قسط. پایان بریم.





# استراتژی آمریکا در قبال اشغال لانه جاسوسی

مقاله زیر را یکی از خوانندگان امت برای ما ارسال داشته‌اند که در مجموع برای حساب سفید نخیس داده شده است.

در سال ۵۲ زمانی که لیبی بخشی از نفت خود را می‌کرده بود عدای از چربسازهای آمریکایی در حرای نوادترین میگردند تا در لیبی پیاده شوند و چاهی نفت را اشغال کنند و جریان نفت بسوی غرب را دوباره راه بیندازند.

آن وقت تحلیلهای مختلفی در اینمورد میشد. مثلاً به نظریه وجود داشت، یکی اینکه غرب مصارف تناس را کم کند. تولید ماشینهای ۶ سیلندر ۸ سیلندر را قطع کرده و بیشتر از ماشینهای ۴ سیلندر استفاده کند و مردم نیز سوخت منازل را کم کنند. دوم اینکه بجای نفت از سوختهای دیگری نظیر مسعاند فال سنگ و فتهای پترومین استفاده کنند که این فتهای هادی هستند یا فتهای آغشته به نفت که در کانادا از آنجونه معادن بقدر فراوانی وجود دارد. هر چند که آن معادن مخارج استخراجی فراوانی را در بر دارد ولی در برابر کمبود نفت میتواند مورد استفاده قرار گیرد. منبع دیگر انرژی اتمی است که میتواند جای نت را بگیرد و بالاخره سوئمن راه اشغال نظامی باجهای نفت بود که در آنموقع این امر با مخالفت اروپا مواجه گشت.

حال به تحلیل مختصری در مورد استراتژی آمریکا رای سرکوبی جنبش ایران و بندنای آن تأمین مایع اقتصادی میپردازیم.

آمریکا پس از اشغال لانه جاسوسی اولین مرحله از عکمالهاش را بمنظور آزادی گروگانها با فشار عطفی از طریق یاب، سازمان عفو بین‌المللی و صلیب سرخ و... کلاً تمام سازمانهای حقوقی دنیا برحماها درآورد. و چون این طریق مؤثر واقع نشد امیرالیم تصمیم گرفت از یکطرف توسط سازمان ملل و شورای امنیت به ایران فشار دیپلماتی وارد کند و از طرف دیگر خبرنگاران و روزنامهنگاران آنسکه عمدتاً با سازمان سیا و شبکههای صهیونیستی در ارتباط بودند طوری وانمود میگردند که گویا آمریکا قصدحمله نظامی دارد بطوریکه مسئله حمله نظامی موضوع روز قرار گرفت و این توهم پیش آمده بود که آمریکا در نظر دارد یک حمله غافلگیرانه نظیر انتی نامپ تا آنجا که یک روزنامه خارجی (گاردین) صاحباً نوشت که آمریکا قصد حمله نظامی دارد و حتی سراحش را هم اعلام کرده که اول رادارها را بگیرد و بعد فرودگاهها و هواپیمها را بمباران کند و مناطق نفتی و جزیره خارک را اشغال نظامی بنماید و جزیره پرورچه آورده بودند که حمله نظامی آمریکا حتماً لولوع است. بهجه علت این فیهه را در پیش گرفته بودند. اگر از وجه رندهنده این امر که بسپج توهم بر علیه آمریکاست بگذریم این استراتژی از جانب آمریکا بهاعتبار ضعفهایی که در شورای انقلاب و کابینه وجود داشت اتخاذ شد. با توجه بهسافت تشکلهنده شورای انقلاب و کابینه و وجود جریان سازفکار و فرصت امید آمریکا را در اتخاذ یک جنبه استراتژی بیشتر می‌نماید امیرالیم آمریکا با اتکااین جناحپسندی و ضعف که در درون شورای انقلاب وجود داشت شرط خارج را طوری تنظیم کرد که با حمله نظامی و جنگ بان بدهد یعنی مسبنا وحیثیت و تضادهای شورای انقلاب و شرط خارج امکان حمله و تبلیغهای جهانی روی این مسأله. متصیب اشغال لانه جاسوسی امام قاطعانه هر گونه مذااره با آمریکا را تحریم کردند چرا که میدانستند اعطای شورای انقلاب آن پشیش محکم و قاطع را نداند که اگر در مذاکره با آمریکا قرار گرفتند محکم و دلم بیرون آیند و خود امام احساس میگردند از همی جا ضربه میخورند، این بود که مذاکره با آمریکا را بدهد محکوم کردند. مصادک بعداً الفراهی از شورای انقلاب حرف امام را زیر پا گذاشته و گفتند آمریکا آنها از هر مقامی که باشند می‌توانند بهایران بیاورند و با ما صحبت کنند بشرط آنکه اعلام کنند که مقام رسمی نیستند و دیدیم که پس از آن مسافهای آمریکائی تحت عنوانین سخلف یکی پس از دیگری به ایران سرازیر شدند و بقولی هتلا پر از آمریکائیان گردید. هائس آمد، مک‌برایت آمد و... این نمایندگان اربابی امیرالیم طی مذاکرات و مصاحبه‌هاشان با جنلهای مختلف، شورای انقلاب و دانشجویان پیرو خط امام و مردم و... نقطه نظرهایشان را فهمیده

به تضادهای موجود بین جناحهای مختلف پی بردند. با توجه به اینکه هر شخصیتی چه آمریکایی و چه اروپایی و... که بهایران میآمدند و با شورای انقلاب تماس میگرفت گزاره‌هاشان به آمریکا ارسال میگردد و در اتاق بحران ایران تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی میشد و در نتیجه اطلاعات و تحلیلهای عناصر سیا و دیگر تحلیل گران آمریکائی تکمیل میشد. ما با این اطلاعات ناقصان که از روزنامه‌ها بدست میآوریم می‌فهمیم که در درون شورای انقلاب چه تضادهایی وجود دارد حال فردی مثل کورت والدهایم بدست دو ساعت با وزیر امورخارجه صحبت میکنند و با توجه به اینکه این عناصر هیچچیزاند بخوبی میتوانند به عمق تضادهای درونی ایران پی برده و مشخص کنند که دانشجویان چه میگویند، شورای انقلاب چه می‌گوید و... یکی از اعضای شورای انقلاب به‌تسمخ گفته بود که: آخرین نوزاد انقلاب را هم دیدیم. و با یکی از مراجع عمل سفارت را تأیید نکرده بود با عضو دیگر شورا گفته بود که ما با دانشجویان تسفام ندادیم، امیدواریم تفام پیدا کنیم یا گفته بودند که در مقابل یک عمل انجام شده فرار گرفته‌ایم... چنین حالتی بر شورای انقلاب حاکم بود و دانشجویان هم این تضادها را درک کرده بودند و آمریکا هم به اعتبار این تضادها و موضع رفرمیستی و غیر انقلابی شورای انقلاب بود که استراتژی خود را تنظیم کرده و همه نیروهایش را روی شورای انقلاب گذاشت و بالاخره در مرحله اول با فشارهای دیپلماتی و اقدامات بین‌المللی شورا را قانع کرد که کوتاه بیاید و شورا هم قانع شد. حتی یکی از رادیکال‌های شورا افکارش را رد کرده و گفت اقدام سفارت خیلی خوب و با و با موقع بوده ولی ما با آمریکا سر جنگ نداریم چون در جنگ نه ما نسیف می‌بریم، نه آمریکا یعنی هر دو مان ضربه می‌خوریم و این جالب توجه است کسی که خودش را نزدیکترین فرد به امام و شورویین انقلاب می‌داند می‌گوید در تضاد حق و باطل، هم حق ضربه می‌خورده هم باطل. و در این تضاد پیروزی حق را ندیده می‌گوید که خود منطبق با حق است و وقتی کسی به این منطبق صلح باشد اصولاً نمیتواند مبارزه کند، چرا که ایمان استراتژیک ندارد. در مبارزه حق و باطل توده‌ها ایمان دارند که حق پیروز میشود و باطل هر چقدر هم که پیچیده باشد ضربه می‌خورد. این منطبق که می‌گوید جنگ نه به‌منفع است و نه به‌منفع آمریکا همان منطبقی است که سال ۵۹ گفتند با امیرالیم نباید جنگ مسلحانه کرد و معتقد برادلهای مسالمت‌آمیز شدند. چرا که اگر جنگ بشود تمدن بشری نابود میشود، ما ضربه می‌خوریم و هم آمریکا. و شورای انقلاب واقعا ماهیتش این بود جناح مترقی‌اش چنین مواضعی داشتند و وقتی یک عضو شورای انقلاب با کورت والدهایم دو ساعت صحبت کرده بود گفت راه حل مسالمت‌آمیزی برای حل بحران پیدا شد (جریان مصاحبه کورت والدهایم با عضو شورای انقلاب که در روزنامه‌ها درج شد) به‌اتکاء این صفت درونی شورای انقلاب و این پیشینه ضعیفی فشار امیرالیم از خارج کارگر افتاد و باعث شد که اعضای شورای انقلاب نزد امام بروند در آنجا به‌امام بگویند که مسئله گروگانها را باید حل کرد که امام تصمیم قاطع خود را به‌ادامه مبارزه اعلام کرد. این یک مرحله از طرحهای امیرالیم آمریکا بود که فکست خورد.

مرحله دوم استراتژی آمریکا از آنجا آغاز شد که آمریکا شروع به تشدید تضادهای درون خلقی نمود چون نهادهای امیرالیم در ایران فتودالها و سرامپداران وابسته و روحانیت رفرمیست و مرتجع و هم‌چنین قرارداد طافوتی نفت و... از بین رفته‌اند. از آمریکا از طریق این سبایکهاها سسی دارد به‌جمهوری اسلامی فشار وارد آورد، در بلوچستان فتودالها علیه جمهوری اسلامی شوری کرده‌اند و در سیستان و بلوچستان استاندار را بدست ۱۶ ساعت بگروگان گرفته‌اند و از جمله خواسته‌هایشان خودمختاری بوده و هم‌چنین به‌استاندار گفته بودند باید عمل سفارت را محکوم کنی، برادران آمریکائی ما بایستی آزاد شوند، این مسأله نشان می‌دهد که آمریکا در این مسئله دست دارد و حتی سلطان قابوس پیش از ۱۰۰ نفر بلوچ را که در طفار زندانی بودند آزاد کرد با توجه به اینکه یک عده از این بلوچها را به‌همکاری جلب کرده و یک عده هم که گراهنات چپ دارند، آنها را به‌منظور می‌آورد تا این موج خودمختاری را تقویت

کنند و جمهوری اسلامی را فلج نمایند (این عناصر زندان بوده‌اند و در مردم وجهه انقلابی هم دارند) و کلاً مجموعه کارها بهم می‌آمیزد تا جایی در این منطقه بر علیه جمهوری اسلامی شکل گیرد، جریان قسم، مشخصاً بین امام خمینی و آیت‌الله فریختنداری تضادی وجود دارد و حدود یکماه پیش تحلیل می‌شد که ساواکها ممکنست آیت‌الله فریختنداری را به‌اسم طرفداران امام ترور کنند و در نتیجه این امر منجر فریختنداری عکس‌العمل نشان داده سرانجام در آذربایجان نیز جریان ایجاد شود. این پیش‌بینی می‌شد در قم چنین چیزی اتفاق افتاد، آیت‌الله فریختنداری به‌قانون اساسی رأی نداده بود و مردم خصمگین شده بودند، و این بدان لحاظ مهم بود که مردم انحراف را شناخته بودند و می‌دانند که مخالفت ایشان با قانون اساسی از چه موضعی است هر چند که در لباس مذهب باشد.

اما برخورد مسلحانه و آناگونیستی فیهه حل این تضاد نبود، چرا که ما با امیرالیم درگیریم و تضادهای فرعی و درونی بایستی در این مقطع بشیوه مسالمت‌آمیز حل شود و تا زمانیکه منشی و رینه انحراف رفرمیسم بطور سیستماتیک برای مردم تبیین نشده باشد نمی‌توان با آنها درگیر شد و جلورشد آنها را گرفت بنابر این حرکت مسلحانه قویاً یک توطئه ضد انقلاب و امیرالیم بود. اینها طرحهایی است که بدانوسله امیرالیم میخواست بهخلق فشار بیاورد و نتیجتاً تضادهای درون خلقی را تشدید کند و ایران را از درون برای ضربه‌خوردن آماده نماید، تضاد ترک و فارس - بلوچ و فارس - مازکسیست و مسلمان - شی و شیعه و... را دارند تا شدت افزایش می‌دهند تا با این فشارها شورای انقلاب تشدید شده و تضاد دانشجویان و شورای انقلاب زیاد گردد. بین آنها و امام خمینی تضاد بیفتد و نهایتاً با اینهمه فشار بتوانند امام را از پای درآورند. و بهمجهد اینکه امام اندکی کوتاه بیاید امیرالیم که هدفش مارک سازفکاری زدن به امام خمینی است به‌مقصود خود دست خواهد یافت و قدرت امام تضعیف شده و در نتیجه تضادها تشدید شده، طرفداران امام وی را ترک کنند و دیگر حرف ایشان خریدار نداشته باشد و از همه مهمتر ایران از الگو بودن برای جنبش‌های انقلابی جهان بیفتد زیرا امیرالیم مایل نیست انقلاب ایران در سطح جهان یک الگو باشد. کما اینکه توانست انقلابهای دیگر جهان را به‌اعتبار ضعفهای درونی از الگو بسودن بیاندازد و حالا یک الگو مانده و آنهم الگوی ایران است که هنوز جسور انقلاب سازف سازف پذیر نشده و امیرالیم از این میترسد که یک الگوی مستکی به‌ایدئولوژی اسلامی جسات ضد امیرالیمستی و سازف‌ناپذیری خود را حفظ نماید و این مسئله برای امیرالیم در منطقه و جهان خیلی خطرناکست. در نتیجه امیرالیم سعی می‌کند تا بهایران حداکثر فشار را وارد آورد، پولهای ایران را با بانکهای اروپائی و آمریکائی بلوکه کرده است و انگلیس هم اعلام کرده که ۲۱۵ میلیارد دلار پول ایران را در بانکهای انگلیس بلوکه کرده است. هدف امیرالیمستها از بلوکه کردن پولهای ایران جلوگیری از کاهش تولید یا قطع نفت اعراب بود. تا به عربستان و صیخ‌نشینها و دیگر کشورهای نفتی نشان دهند که اگر آنها نیز دست بقطع صدور نفت یا حرکتی بی‌نظیر آن بزنند پولهایشان بلوکه میشود در اینصورت کشورهای مثل عربستان که اقتصادشان کاملاً وابسته به‌مدرآمد نفت است و به‌تولیدات کشاورزی داخلی متکی نیست و تمامی مواد مورد نیازش از خارج می‌آید (بعلت بلوکه کردن) نه پول دارد و نه نفت می‌فروشد. لذا تضادهای درونی‌اش تشدید شده و سرانجام منجر به‌دورس و انقلاب می‌گردد و مسلم است که رهبران چنین کشورهای هیچگونه صدور نفت را قطع نخواهند کرد. امیرالیم با فشاری که از خارج وارد می‌آورد می‌خواهد که ما نفتمان را به‌اروپا نفروسیم زیرا وقتی ما نفت نفروسیم به‌دلیل اینکه پول این نفت توسط آن کشورها بلوکه می‌شود لذا یک نوع ناسامی برای محل فروش طلا بگیریم، امیرالیم کاری می‌کند که ما خودمان بخریم نفت نفروسیم و کلاً صدور نفتمان قطع شود و اقتصادمان فلج گردد و بهمین دلیل زاین هم اعلام کرد که کمپانیهای نفت زاین حق خرید تک محموله از ایران را ندارند و بدین ترتیب امیرالیم از همه طرف سعی دارد بهایران فشار وارد کند و کارتر می‌گیرد من به‌مر فکال شده هر روز یک اقدام علیه ایران انجام می‌دهم فک نیست که وقتی این فشارها زیاد شود و آمریکا ایران را تحت فشار اقتصادی قرار دهد و محاصره اقتصادی را در مورد ایران به‌مرحله اجرا درآورده طبعاً در ایران دو جناح انقلابی و سازفکار بوجود خواهد آمد باید دانست که تمامی

فشارهای آمریکا (از فشار دیپلماتی و عاطفی و تشدید تضادها گرفته تا محاصره اقتصادی و...) کاملاً در رابطه با حرکت انقلابی خلق ایران است. سال ۱۳۳۰ هنگامیکه نفت توسط رهبر ملی مرحوم دکتر محمد مصدق ملی شد، روزنامه‌های آنروز نوشتند که امیرکا قصد دارد یک قرارداد سازفکارانه با مصدق امضاء کند و حتی بانک بین‌المللی تبلیغات زیادی در این مورد براه انداخت ولی چون حاکمیت ملی ایران در این قرارداد وجود نداشت مصدق می‌گفت که ایمن قرارداد همانند قرارداد فرکت نفت ایران و انگلیس است و زیرسپار امضاء چنین قراردادی با آمریکا نمی‌رفت (با وجود اینکه مصدق پوزووازی ملی و ناسیونالیسم بود ولی در حال آن قرارداد را نپذیرفت) و سازف نکرد و در خاورمیانه الگویی برای سایر خلقهای منطقه شد ولی جناح بقائتی و مکی در جبهه ملی و بهبهانی بعد از آنکه مصدق زیرسپار قرارداد ایران با آمریکا و فشار بانک جهان نفت صفنان را از او جدا کردند و جناح سازفکار جبهه ملی که متعلق به‌قشر بالای پوزووازی و فتودالها بودند مصدق و پارانش را تنها گذاشتند و دیدیم که امیرالیم آمریکا در آنموقع در جبهه ملی تشدید تضاد کرد و اکنون نیز دقیقاً کارهایی می‌کند که در شورای انقلاب تضادها تشدید شود و بین امام و سایر جناحها نیز تضاد انداخته و به‌اعتبار این تضادهای درونی خلق ما، مرحله سوم را که یک اقدام نظامی است عملی سازد یعنی از هر طرف هرج و مرج بشود، تیریز از یکطرف و بلوچستان هم بتوخی دیگر و هر کدام جریانی علیه جمهوری اسلامی شوند بدین ترتیب آمریکا سسی دارد ایمن تضادها را افزایش دهد بطوریکه ناسامی و اغتشاش بر اساس کشور حاکم شود و خود مردم به‌مرحله‌ای برسند که راضی شوند حکومتی بر سر کار بیاید که بتواند تمام مناطق ایران را امن کند و بهایران وحدتی دوباره ببخشد (نظیر دوره قبل از رخاشان که ناسامی بجائی رسید که خود مردم از لحاظ درونی آماده پذیرش رهشاهه شدند و رونامه‌های آنوقت را هم که مطالعه می‌کنیم از سال ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۰ که رهشاهه روی کار آمد در اکثر روزنامه‌ها تر مردم قوی مطرح شده بود بدین مفهوم که یک مرد قوی لازم است بیاید و ایران را نجات دهد) بدین ترتیب زمینه‌یکتاتوری فراهم میشود و سرانجام جولاژم برای انجام یک کودتا بظرفداری از آمریکا فراهم می‌گردد با توجه به اینکه ارتش تصفیه اصولی نشده و حتی بعضی از ارتشها جنتیکارانی را که اعدام شده‌اند فیهدی می‌نمایند و هنوز متعلقان عویش نشده چنین امری دور او انتظار نیست. مرحله سوم اگر آمریکا موفق نشود که بین جناحهای خلق تضاد بیاندازد و انقلاب ایران توانست در مقابل این توطئه‌ها مقاومت بکند (که با توجه به‌رشد و آگاهی توده‌ها مطمئناً خلق ایران تمامی این فشارها و توطئه‌ها را با پیروزمندان پشت سر خواهد گذاشت) مرحله سوم حمله نظامی است ایمن حمله بگونه‌ای خواهد بود که تضادهای درونی خلق را تشدید کند نه آنکه جناحهای خلق را علیه آمریکا وحدت دهد، احتمال حمله نظامی به‌آن جهت است که این منطقه برای آمریکا حائز اهمیت فراوان است زیرا که حداقل ۶۶ درصد ذخائر نفت دنیا فقط در منطقه خلیج فارس است و در خود ایران بزرگترین معن گاز وجود دارد یعنی بیش از شوری و عربستان در ایران گاز ذخیره وجود دارد که از نظر غرب بسیار مهم است. در مورد حمله نظامی باید گفت که اروپا با آمریکا تضاد پیدا خواهد نمود چرا که کشورهای بازار مشترک معتقدند با اشغال نظامی حوضه‌های نفتی جریان نفت کلاً قطع شده و ساعت رشد جنبشهای

# امت

آزادبشش خواهد شد. جریانات کسارگری رشد می‌نمایند و تشکل آنان زیاد خواهد شد و اینها لوله‌ها و چاههای نفت را منفر می‌کنند و یک حرکت همه‌گیر بوجود خواهد آمد و واقعا غرب را فلج می‌کند و این نظر اروپا بود که می‌گفت با حرکت نظامی خلقها بر علیه ما بسپج می‌شوند روزنامه‌ها را دتسریون نوشته بود که اگر آمریکا ضربه نظامی بهایران بزند تمامی توده‌ها پشت سر خمینی بسپج می‌شوند و این حرکت در درازمدت بنفع شوری تمام خواهد شد. امیرالیم بنا حمله نظامی خواهد کرد لیکن با تیربیات و مشاورینی که در اسرائیل دارد بهشکل دست به‌این کار خواهد زد که خلق پشت سر امام بسپج نشود و وحدت پیدا نکند. کما اینکه در جنگ ۶۷ هنگامیکه نیروهای اسرائیلی صحرائی سینا را گرفتند به‌سادگی می‌توانستند قاهره را هم تصرف کنند (چون روحیه ارتش مصر درم شکسته بود و انسجام درونی‌اش بهم ریخته و مردم نیز نظرشان نسبت به‌رهبری ناصر متزلزل گشته بود) و تحلیلی که اسرائیلی‌ها داشتند این بود که اعتقاد مردم را از ناصر سلب کنند یعنی اینها شکست سیاسی ناصر را بر شکست نظامی ترجیح می‌دادند و فکر می‌کردند اگر حمله کنند احتمال زیادی دارد که ملت مصر بسپج شوند و جنگ کوچک بکوچه شروع شود و جریان شهر سوئز در سال ۵۶ تکرار گردد (فرانسه و انگلیس و اسرائیل در سال ۵۶ مشترکاً به‌شهر سوئز حمله کردند و مردم شهر کوچک بکوچه سنگر بندی کرده به‌دفاع پرداختند) لذا در قسمت فرقی کاتال سوئز باقی ماند این هوشیاری ناصر بود که با استعفا و نطق کوتاه در رادیو تمامی خلق مصر را برای اظهار نیاز به‌ایلهای ناصر به‌مخاطباتها کشاند و وحدت ملی را دوباره تحکیم بخشد و توطئه بسپجید امیرالیم را خشی نموده لذا آمریکا با این جمعیتی سعی در این دارد با حرکت نظامی تضادها را نسب تشدید نماید. از جمله طرحهای که ممکن است توسط آمریکا به‌رحله اجرا درآید طرح حمله به‌پالاینگاه آبادان است. در پالاینگاه آبادان روزانه حدود ۵۰۰ هزار بشکه نفت مصری ایران تولید می‌شود و چنانچه این پالاینگاه اشغال نظامی یا بمباران هوایی گردد ضربه بزرگی به‌تمام بخشهای صنعتی و نظامی و... ایران خواهد زد زیرا که با قطع نفت تصفیه شده توسط پالاینگاه کارخانه‌ها فلج می‌شوند و ارتش که وسایل و لوازم آن عمدتاً موتوریزه است عملاً از کار می‌افتد. بر مردم کوچه و بازار نیز فشار وارد شده و تضادهای درونی افزایش می‌یابد و جناح‌های سازفکار بر علیه حرکت اشغال لانه جاسوسی بسپج شده و ممکن است بعلت فشارهای وارده حاضر به‌استرداد گروگانها شوند ولی آمریکا هیچگاه چاههای نفت را اشغال یا بمباران نخواهد کرد. زیرا اروپا به‌جریان نفت ایران نیازمند است و در این رابطه مانع انهدام چاهها میشود و آمریکا به‌اشغال چاههای نفت نیز نمی‌اندیشد. چرا که اگر آمریکا چاههای نفت اشغال کند امام توان آنرا دارد که با اتکاء توده‌ها لوله‌های نفت را که از مناطق صحب‌العجور کوهستانی می‌گذرند منفر کند چنانکه در دوره انقلاب یکی از لوله‌های نفت خام منفر گردید و آمریکا قادر به‌نگهداری از این لوله‌ها نیز نخواهد بود مگر اینکه در منطقه نفتی نیروی زیادی پیاده کند که در آنصورت نیز درگیر یک جنگ تمام عیار با خلق ما خواهد شد. خلق بسپج شده و افتخار نبره با بزرگترین دشمن بشریت را خواهد داشت، بهلازه چنانکه قبلاً اشاره کردیم اشغال چاههای نفت مورد مخالفت کشورهای بازار مشترک قرار خواهد گرفت.

بقیه در صفحه ۴



**وینتام**  
**سند جنایات**  
**ضد بشری**  
**آمریکاست**



# جریان لیبرالیسم در

## پایگاه اجتماعی لیبرالها

کف رفت و ضد انقلاب تجدید قوا و آرایش نیرو نمود و متحد شد و توطئه‌ها آغاز گردید. و رشد کرد.

## جریان لیبرالی و سازشکاری

امواج انقلاب خلق یک‌پیک فرو می‌نشست و بآس و سرخوردگی و تضادهای درون خلقی اوج گرفت - اوضاع بی‌روفتی مراد امپریالیست پیش می‌رفت - وابستگی اقتصادی در زمینه صنایع، تجارت، پول، نفت، کشاورزی، ارتش و سیاست خارجی تحکیم می‌شد.

جریان لیبرالی و سازشکاران و رفرمیست‌ها و مرتجعین تقریباً تمامی مواضع قدرت را اشغال کردند فریاد اعتراضی از هر جا بلند شد. مردم تدریجاً بر ضعف و ناتوانی دولت و فساد ایمان آوردند - امپریالیسم آمریکا امیدوار نسبت به آینده انقلاب ایران، خواهی‌های خوش می‌دید و خواهان تثبیت اوضاع در همان جهت گردید.

ساواکیها آزاد و بسیاری مجدداً بکار و خدمت فرا خوانده شدند - فرماندهان نظامی صرف نظر از مایهت و بینش و ایمان انقلابی مورد حمایت قرار گرفتند - جلوی تصفیه بدست گرفته شده و اسناد ساواک و سفارتخانه‌ها توسط اعضای مورد اعتماد دولت مخفی نگهداشته شد.

تا آنکه ملت خود بپا خاست، جوانان مبارز و آگاه پیش از آن منتظر نماندند و از خط حرکت انقلاب و رهبری امام که همیشه مردم را به بسیج و حرکت و اقدام فرا می‌خواند و توصیه می‌کرد که در انتظار رؤسا و متصدیان نمانند و وابستگی را قطع کنند و آمریکا را بزرگترین دشمن و بزرگترین شیطان بدانند، با یک اقدام انقلابی و قاطع سفارت را اشغال و برده از چهره کمره و جانیستار آمریکا درینند. این اقدام برای اعضای لیبرال دولت و فسادها مانند رعد تکان دهنده بود که برای زمامداران آمریکا در کاخ سفید، اسنادی که از دستبرد جاسوسان آمریکایی و از اقدامات مصون مانده بود مورد بررسی قرار گرفت، دانشجویان بر حسب مسئولیت انقلابی، اسلامی شروع به افشای آنها برای خلق کردند. رهبر انقلاب بر اساس پیش انقلابی و آگاهی که نسبت به خطر جدی از جانب امپریالیست‌ها داشتند و روی ایمان به درستی عمل توده‌ها - جریان را تأیید و آغاز انقلاب جدید ضد امپریالیستی را اعلام کردند.

افشای اسناد اخیر درباره جریان انحرافی و سازشکار لیبرالیسم، با انتباهی که در نوره ارائه آن بکار رفت، جنجالی برانگیخت و عکس‌العمل‌هایی می‌رفت که هدف بسیار مهمی که در این اقدام نهفته بود از انتظار پنهان نماید و ارزش کار دانشجویان لوث شود.

برای رفع کلیه ابهامات و تاریکی‌ها توجه هموطنان عزیز و مبارزان به نکات زیر جلب می‌کنیم:

۱ - هدف اصلی برادران دانشجو معرفی مایهت سازشکارانه و انحرافی جریان لیبرالیسم بود اما چنانکه خود خیلی زود متوجه شدند - عجز لانه به قضاوت نشستند - در حالیکه بهتر بود تنها به ارائه اسناد اکتفا کرده تجزیه و تحلیل و قضاوت را به عهده ملت ایران می‌گذاشتند - آنان همانند یک مسلمان مکتبی از خود انتقال کردند و بیش از این نباید موضوع را دست‌انیز طرح نقطه نظرهای انحرافی قرار داد.

۲ - جریان لیبرالی سابقه طولانی در مبارزات ملت ایران دارد، متجددین عصر نهفت مشروطیت اسلاف این جریانند لیبرالها یا آزادخواهان در تمام این مدت پیشرو مبارزه علیه استبداد بوده‌اند. آزادخواهی لیبرالها مفهوم غربی دارد و پایه نظری نظام سرمایه‌داری محسوب می‌شود. سرمایه‌داری غربی بر پایه نظام سیاسی لیبرالیسم بی‌دیزی شد و رشد و توسعه یافت به‌گذار هر کس هر چه می‌خواهد بکند، همکار سرمایه‌داری از آد و لیبرالیسم اروپایی است.

برای اشغال مواضع دولت اخیر) واقعی بود که می‌توانست بود ایران تمام شود. در حالیکه در بیست سال اخیر آمریکا استعمار سلط است و پناه بردن به آمریکا برای مبارزه با رژیم مانند آنستکه به‌شاه علیه رژیم او پناه می‌بردم.

آسا در استفاده از تضاد دو جناح لیبرال‌های آمریکا (کبوترها) و بازها (طرق‌داران خنثوسنت و شدت عمل)، لیبرال‌های ایران در چارچوب پیشین فکری خود درست عمل می‌کردند، از آنجا که لیبرال‌ها در اندیشه و تفکر سیاسی (طرفداری از دموکراسی اروپایی) و در تفکر اجتماعی (طرفداری از نظام سرمایه‌داری) و در پایگاه اجتماعی (سرمایه‌داری وابسته) با امپریالیسم در تضاد اصولی نبودند، لذا سعی می‌کردند از تضاد جناح لیبرال آمریکا با استبداد



شاه برای رسیدن به قدرت با کسب آزادی استفاده کنند.

از یک طرف دشمنی را جز استبداد نمی‌شناختند (استبداد نه سلطنت) از طرف دیگر پایگاه توده‌ای نداشتند و بهرم در مبارزه علیه رژیم بها نمی‌دادند و اصولاً مردم را قادر به مقابله با قدرت شاه و آمریکایی حامی آن نمی‌دیدند و لذا تنها راه غلبه بر قدرت شاه را استفاده از تضاد آمریکا و شاه می‌دانستند. و بالاخره لیبرال‌های آمریکا را هم فکر و هم سلیقه و همگام با خود در مخالفت با استبداد شاه می‌دیدند. از این جهت تدریجاً یکسره امیدشان به لیبرال‌های آمریکا بود و چشم می‌دوختند تا کدام جناح در انتخابات پیروز می‌شود و قدرت را بدست می‌گیرد.

۷- جناح لیبرال آمریکا که وابسته به صاحبان صنایع مصرفی و صلح هستند (در برابر بازها که بیشتر وابسته به صنایع نظامی می‌باشند) در هدف اصلی باهم اختلاف ندارند - تنها دو فئودال مختلف را تبلیغ می‌کنند. لیبرال‌ها معتقدند توسط حکومت‌های لیبرال دست‌نمانند بهتر می‌توان منافع آمریکا را حفظ کرد و جلوی انقلابات را گرفت. در صورتیکه جناح دوم طرفدار خنثوسنت و استفاده از حکومت‌های قوی - دیکتاتورها و ارتش و ساواک بودند، از این‌رو آنان هم نقطه امیدشان در داخل لیبرال‌ها بودند و هستند که به عنوان جانشین احتمالی شاه و رژیم او در نظر می‌گرفتند.

البته ایده‌آل آنها آن بود که با بودن شاه و رژیم سلطنتی لیبرال‌ها به قدرت برسند.

## تقویت هرچه بیشتر مواضع

## عملی دانشجویان مبارز، یک

## وظیفه انقلابی است

بر اساس منافع و مصالح و نقطه نظرهای مشترک - لیبرال‌های ایران و آمریکا از بعد از کودتای ۲۸ مرداد روابط متقابل برقرار کردند این روابط با نوسانات سیاسی در آمریکا و ایران کم و زیاد می‌شد، با آغاز سیاست مرحله جدید سیاست آمریکا (حقوق بشر گسترده) لیبرالیسم آمریکا به‌همکاران خود در ایران چراغ سبز نشان دادند و توسط نمایندگان و دلالان و واسطه‌های خود آنانرا تشویق به شروع مبارزه سیاسی کردند در این مرحله لیبرال‌های «مذهبی» موقعیت مناسب‌تری برای شروع کار داشتند تا لیبرال‌های «ملی» زیرا مبارزه ملت ایران رنگ و مایهت اسلامی پیدا کرده بود و ایندولوزی اسلامی راهم‌ای عمل انقلابیون و امام رهبر خلق بشمار می‌رفت.

## یأس آمریکا

ام‌ا در رشد سریع انقلاب و یأس آمریکا از سرکوبی آن توسط قدرت نظامی و امنیتی شاه توجه محافل آمریکایی به‌لیبرال‌های ایران بیشتر شد ابتدا جناح‌هایی از هیات حساکه را که ظاهری دمکرات داشتند بکار گرفتند (نهارندی، امینی و یزیشکیور و...) و چون آنان رسواتر از آن بودند که ذره‌ای اعتماد در دل مردم برانگیزند، پیش از پیش به‌لیبرال‌ها امید بستند و آنانرا تقویت کردند - از این تاریخ به‌بعد همه ارگانه‌های تبلیغاتی و وسایل ارتباط جمعی آمریکا و متحدینش به‌بزرگ کردن نقش عناصر و محافل و جریان‌های لیبرالی در انقلاب

پرداختند و به آنان عنوان رهبری و پیشتازی دادند و سعی کردند نقش انقلابیون و توده و بخصوص امام را بحداقل برسانند و عملاً رهبری مبارزه را از دستهای امام خمینی خارج و در دستهای لیبرال‌ها متمرکز سازند.

۹- لیبرال‌ها هم خود نمی‌توانستند با انقلاب و هدفها و مثنی آن همراه باشند و در عین حال خواهان رهبری و قدرت بودند، از این‌رو ضمن حفظ هماهنگی ظاهری با انقلاب (جهت جلب مردم و کسب پایگاه توده‌ای و پرهیز از انزوا و طرد شدن) همه نیروی و امکانات خود را برای انتقال رهبری از امام به‌خود بکار بردند - در این دوران روابط بین لیبرال‌ها و محافل آمریکایی گرم‌تر و زیادتر شد - چنانکه خود اعتراف دارند این رابطه از قدیم - بعد از ۲۸ مرداد و اتحاد فعالیت سیاسی‌شان - برقرار بوده است. این روابط را نباید جاسوسی و مزدوری نامید زیرا بسا آن تفاوت آشکار و مساهبتی دارد. لیبرال‌ها هرگز مزدور و جاسوس آمریکا نبوده و نیستند - ممکن است عناصری روی روابط طولانی و نزدیک و بدلیل ضعف‌های خصلتی عملاً زیربار تعهداتی رفته باشند که باید اسناد آن را ثابت کنند اما بسخت از رفتار و مساهبت شخص نیست صحبت از یک جریان است.

۱۰- لیبرالیسم از چند نقطه نظر منافع مشترک با امپریالیسم دارد اولاً پایگاه اجتماعی آن سرمایه‌داری وابسته است که بزرگترین پایگاه اقتصادی امپریالیسم محسوب می‌شود ثانیاً - متکی به دیپلمات‌های و ارتش می‌باشند که هر دو از پایگاهها و نقطه اتکاهای امپریالیسم است ثالثاً - دارای پیشش و تفکر غربی (دموکراسی سرمایه‌داری) می‌باشند که پایه نظام سرمایه‌داری و امپریالیسم است.

رابعاً - با هر نوع تغییر بنیادی و انقلابی و با مثنی انقلابی مخالفت دارند و در سیاست خارجی طرفدار رابطه و همکاری نزدیک با غرب سرمایه‌دار بوده و بالاخره مدرنیسم (تجددطلبی) نوع غربی را که زمینه اجتماعی نفوذ سلطه امپریالیسم است حمایت می‌کنند.

۱۱- همه تاکتیکی‌ها - شعارها و اقدامات لیبرال‌ها در یکی دو سال پیش از انقلاب و بعد از آن بی‌چون‌وچرا و بدون استناد در چارچوب پیشش و مصالح مشترک قابل توجیه و تفسیر است اگر هدفها، مثنی و تاکتیکی‌های لیبرال‌ها را با هدفهای انقلاب بستنیم و در برابر آن قرار دهیم، منطقی‌تر است پیش از سرنگونی رژیم و برای یک دوره معین از آنجهت که در مبارزه همدست‌های شرکت داشتند، متحد خلق و پس از آن و از وقتی که در برابر رشد انقلاب و ارتقاء و تکامل هدفها و مثنی آن ایستادند - ضدانقلاب شدند.

۱۲- در جریان لیبرالی صحبت از عناصر نیست - چرا که صداقت و حسن‌نیت را همه داشتند و دادند (به‌استثنا کسانی که ناپت شود) بسیاری از جوانان و روشنفکر که روی سابقه تاریخی مبارزات لیبرال‌ها در کنار و همقدم با آنها بودند پس از ۲۵ خرداد و شروع مرحله جدید مبارزه راه خود را جدا کردند و بعضی دیرتر از صف لیبرالیسم فاصله گرفتند - هنوز هم هستند کسانی از جوانان که روی علاقه و اعتماد و حسن‌نیت دانش‌خاصه در عین حال که از لحاظ فکری پیشرو و ضدامپریالیست هستند عملاً در کنار جریان لیبرالی حرکت می‌کنند که بطور قطع با رشد و اوج‌گیری مبارزه ضدامپریالیستی ناچار صف خود را جدا خواهند کرد - مگر آنکه از لحاظ خصلت و سنخیت با آنها فریک باشند.

۱۳- افشای صریح و بی‌پرده مایهت جریان لیبرالی یکی از ضرورت‌های رشد و تکامل انقلاب است زیرا سلطه لیبرالیسم بر ایران بعد از انقلاب بزرگترین خطر و آفت برای انقلاب اسلامی محسوب می‌رشد و می‌شود خطر لیبرالیسم را هنوز هم نباید دست‌کم گرفت زیرا از پایگاه اجتماعی قابل ملاحظه‌ای در بین کادری‌های فرصت‌طلب اداری - دیپلمات‌ها و وابسته و بسیاری از ملاکین و عناصر فئودال و همچنین رفرمیست‌ها و فرصت‌طلبان مذهبی برخوردارند و بسیاری مراکز قدرت را هنوز در اختیار دارند.

لیبرال‌ها در مبارزه خیلی سعی می‌کنند - سازش و آفتی بین انقلاب و آمریکا برقرار کنند، در سیاست خارجی در تمام این مدت عملاً پیش لیبرالی حاکم بوده است و تنها فشار خلق و قاطعیت امام جلوی سازش را گرفته است. لیبرال‌ها تعدد مبارزه بین ایران و آمریکا را بزبان و طرف تفسیر می‌کنند در حالیکه در پیش انقلاب، تشدید مبارزه و

# انت

محاصره اقتصادی و حمله نظامی بزیان امپریالیسم و بنفع انقلاب است. ما در اولین روزهای بعد از سرنگونی رژیم و روی کار آمدن دولت موقت، خطر لیبرالیسم را اشاء کرده و گفتیم و نوشتیم که حکومت این جریان، انقلاب را مسدود و کشور را در وابستگی به امپریالیسم نگاه میدارد. و سادات را بعنوان سبیل یک لیبرالیست سازشکار و خائن معرفی نمودیم. لیبرال‌های ایران عملاً در راه سادات قدم نهادند و گام بر میدارند.

## وظیفه انقلابیون مسلمان

یکی از وظایف انقلابیون مسلمان را از آرزو افشای جریان‌های ضدانقلابی و انحرافی از جمله لیبرالیسم دانستیم. نوشتیم که لیبرال‌ها با مرتجعین وحدت می‌رسند و در کنار سرمایه‌داری، فئودالی و نظامیان، نفت‌خواران - علیه انقلاب و رهبری قاطع آن امام خمینی توطئه میکنند.

ما تنها نیروی مدافع انقلاب را صف متحد توده و رهبری آن امام خمینی دانستیم و در عمل ثابت بد که اگر مسافومت مسیله‌ی خلق و قاطعیت و سازش‌ناپذیری و تقوی و صداقت انقلابی امام خمینی نبود، این مقدار مقاومت در برابر امپریالیسم ممکن نبود و انقلاب هم اکنون مدفون شده بود.

تقویت هرچه بیشتر مواضع دانشجویان مبارز متعهد ما در لانه جاسوسی و حمایت از افشای اسناد و بسیج خلق در این مبارزه و مخالفت با هر نوع تاپلات سازشکارانه در بین مسئولین و متصدین یک وظیفه انقلابی است - ما به‌همین دلی انتخبات ریاست جمهوری را اقدامی زودرس و عجز لانه و بی‌موقع می‌دانیم زیرا هنوز باید به‌خاطر فرصت داد تا مساجارها را بدست آورد و مساهبت جریانات و عناصر را بشناسد، هنوز مسایل زیادی باید حل شود - به‌اعتقاد ما تا مسئله تقسیم راضی بشکل انقلابی و مکتبی انجام نگردد، تا بحران سیاسی کشور و مسئله اقوام حل نگردد و نظام شورائی تحقق نیابد، تا کارگران و صنایع‌ساز وابستگی آزاد نشوند و تا اسناد مسود در سفارتخانه‌های ایران که توسط وزیر خارچاق جمع‌آوری شد و در اختیار ملت هم قرار نگرفت و تا اسناد موجود در ساواک تهران و در لانه جاسوسی آمریکا همه فاش نگردد تا صف انقلاب ا همه جریانات سازشکارانه و غیرانقلابی جدا و مجایز نگردد و بالاخره تا مجلس شورای ملی تشکیل بود و قانون اساسی را اصلاح و تکمیل کنند، انتحاب رئیس‌جمهور دردی را دوا نکرده و اصولی به‌نظر نمی‌رسد و از اینجهت نامزدی را برای ریاست جمهوری معرفی نمی‌کنیم.

اگر دوامه پیش که مردم از اسناد اطلاع نداشتند انتخبات رئیس‌جمهور انجام میگرفت کسان دیگری نامزد و انتخاب میشدند و اگر مبارزه ضدامپریالیستی اوج بیشتری گیرد و اسلا و آزماش پیش آید و جهاد و فداکاری و مقاومت لازم شود قطعاً جابجائی بیشتری از مواضع نیروها انجام و برای مردم، اصیل از غیراصیل، صادق از کاذب، انقلابی از انقلابی‌نما، مسلمان مومن از اهل تزویر بهتر شناخته میشوند. بقول امام هنوز متناقض دلپاس اسلام و انقلاب بسیار است و شناخت و مبارزه با آنان دشوار و تنها جهاد، صف منافقان را از مسجدان و مومنان جدا میکند. چنانکه در جنگ احزاب ملائکان به‌رهبری عبدالله بن ابی از صف مجاهدان به‌رهبری پیامبر اکرم جدا گردید.

این است که به‌سختی بوده تا بسجای فتبه در انتخبات رئیس‌جمهور توده مبارز ضدامپریالیست را مدیریت و تا امام رهبر است و بسا قاطعیت و سازش‌ناپذیری خلق را متحد نگاهداشته و چوردگه جلوی هر جریان انحرافی می‌ایستد - این مرحله حساس و سرنوشت‌ساز انقلاب را با انجام میرسانیم. برادران و خواهران در هر حال وظیفه هر مبارز انقلابی - هر مسلمان مکتبی و هر وفادار اهل به‌خط امام خمینی است که هشیار و سازش‌ناپذیر - مساهبت همه عناصر و جریانات سازشکار، صریح، ضدانقلاب و فرصت‌طلب را افشا کنند، متحد و یکپارچه در جبهه مبارزه علیه امپریالیسم به‌رهبری امام متحد شود.

اهمیت این مبارزه و پیچیدگی متوسط‌های دشمن و فراوانی عناصر و جریانات سازشکار بدی است که هماهنگی و همراهی همه انقلابیون را بین و وفادار به امام را ضرورتی حیاتی می‌سازد به‌بند بر پایه اصول مشترک مکتب و آزاد از هر وابستگی غیراصولی بنام و عنوان و سازمان - صفوف طره را فشرده و از مبارزه کنونی به‌رهبری امام حراسه و حمایت جوی و همه‌جانبه بعمل آوریم.

و السلام



# در نظام توحیدی سود

بقیه از صفحه ۱۰

زارع سهم مالک را از گندم و جود و خرما و زمین و باغ خود نهد. پرورد عین آن محصول از جای دیگر خریداری و به مالک تقدیم کند. اسام در این فتوی و دستور، حکمتی است که با آن زارع همیشه بسپاد می آورد که بر طبق اصول اسلامی محصول زمین و نتیجه کارش کلاً با او تعلق دارد و اکنون مالک بزور بر او تحمیل می کند و او با خرید از جای دیگر این محصول را اجباراً خراب می کند و در غیر اینصورت پس از مدتی فراموش میگرد که این قراردادها اسلامی نیست و آنها را غایب و شرعی تلقی میگرد. چنانکه کرد. قرنها در کشور ما مالکان اراضی (غاصبین اراضی) زمین را بر عايب واگذار و در ازاء آن برای هر عامل از عوامل پنجگانه سهمی دریافت میگردند و زارعین از محصول همان زمین و کار خود مهم مالک را می دادند و با مختصر باقی مانده که به اشکال کفاف زندگیشان را میداد، بر می بردند و مالکیت مالک و سهمی که می برد و هر تجاوز دیگری را هم مشروع و حق خدادادی وی تصور میگردند. بطوریکه برای بسیاری اخذ زمین از مالک و لغو این قراردادها، خلاف شرع و اسلام می نمود و باستانی بیان تن نمی دادند.

فرار داد مزارعه تحت چنین شرایطی تجویز می نمود و آنها را شرایط خاص، بطوریکه زبان آن برای زارع به حداقل برسد. از جمله تأکید می نمود که مالک جفا باید بزند بدهد تا سهمی که می برد، بابت بذر او تلقی شود. هم چنین در مضاربه که تحت شرایط در اصل برای تجارت متعقد می شد، ضرورت شرایط، موجب تجویز آن شده است. در تأیید این مطلب باید احکام تجارت را که در صدر اسلام مقرر شده و مورد تأیید همه ائمه می باشد، در نظر آوریم. در مباحث پیش این احکام ذکر شده اند. در آنجا دیدیم که تجارت با تعریف خاص و شرایط خاص تحقق می یابد هر معامله ای تجارت نیست و در تجارت هم سود مربوط به سرمایه نبود، بلکه صرفاً مربوط به خدمت فرد و کاری که انجام میداد و برای گذران زندگی وی در نظر گرفته میشد، لذا تاجر حتماً می بایست مسافتی از شهر دور شود تا بشود کار او را تجارت دانست و بشود اجازه داد تا مبلغی برای معیشت خود بر قیمت اصلی کالا بیافزاید. پس در اینجا عایدی و درآمد دوازده کار، مشخص است و الا تجاری که کاری انجام نمی دهد و در محل خود نشسته معامله می کند و سود می برد، کار شرعی انجام نمیدهد.

حالا شما کالایی دارید و به دیگری می دهید تا آنرا به دست دیگری ببرد و بفروشد رساند. احتمال زیان و نابودی کالا می رود و کلاً نتیجه کار شما و تیلور کار شما بوده است، چون احتمال زیان می رود و شما تن به خطر داده اید و در آن بدست خود مقادیر زیادی انرژی روانی و عصبی مصرف می کنید، دلهره از بین رفتن مال و متضرر شدن، بشما اجازه می دهد در صورت سود بردن سهمی از سود علاوه بر اصل سرمایه بشما تعلق گیرد. در همین قرارداد اگر زیان حاصل شد، عامل نباید متضرر شود، شما موظف به پرداخت مسترد هستید و او در زیان شما شریک نیست. اما دلیل ظلمی بر اینکه مضاربه هرگز مغایر با این اصل است که سود به سرمایه تعلق نمی گیرد، نمی باشد، اینکه اگر عامل ریسک یعنی احتمال زیان و ضرر حذف شود و شما مطمئن شوید که زیان در بین نخواهد بود و عامل این را تضمین می کند، شما هیچ حقی در سود ندارید و جز اصل سرمایه خود چیزی دریافت نمی کنید. کسانی که بر ما ایراد می گیرند که چرا نوشته ایم سرمایه سود تعلق نمی گیرد، این حکم را چگونه تبیین و تفسیر می کنند؟ این قاعده و حکم که اگر اصل سرمایه بر سرمایه تضمین شود، بهر شکل و کیفیت حقی در سود و عایدی ندارد، نشانده اینست که سود و عایدی مطلقاً در برابر کار است، متعلق به کارگر و سرمایه می باشد و بعنوان یک عامل سهمی و حقی در عایدی می برد ندارد.

این اصل نه فقط از حکم مزبور، بلکه از سایر قواعد و احکام و فتاوی که در معاملات مختلف دیدیم بطور واضح و روشنی استخراج می شود. باین ترتیب سهمی که در مضاربه سرمایه دار می برد، صرفاً مربوط به خطر زیان و نابودی مال است؛ که سرمایه دار را تهدید میکند و تنها صاحب سرمایه بجز او و نه کارگر و عامل را، با وجود این این قراردادها در شرایط اضطراری تجویز شده و حکم بدان داده اند. در روایات از ائمه به گرات می بینیم که از پیروان خود می خواهند حتی المقدور تن باین نوع عقود و تحمیلها ندهند، تا آنجا که مقدور است مستقلاً و با

مجموعه احکام و قوانین و مقررات را پیش چشم نهاد، اگر تنها احکام مزارعه و مضاربه و یاساقا را در نظر بگیریم، نتایجی خلاف روح اسلام بدست می آید، در حالیکه اگر این احکام را اولاً تحت شرایط زمان و مکان مورد بررسی قرار دهیم، بهمان نتایجی می رسیم که در بالا مورد بحث قرار گرفت. ثانیاً این نوع احکام برخلاف اصول وابسته به شرایط خاص و مقتضیات ویژه خویش اند.

اصول و محتوای اصلی احکام ثابت و بلا تغییر باقی می ماند اما آن نوع احکام تغییر می کند و ثالثاً فراموش نشود که بحث ما از اصول و مقرراتی است که در جامعه توحیدی و اسلامی که قدرت و حکومت در دست اهل حق و مؤمنان است، اجرا میگرد. در جوامع اسماً اسلامی و رسماً غیر اسلامی! و در پایان این بحث مجدداً این اصل اسلامی ولایتی را که پایه مناسبات اقتصادی در جامعه توحیدی است، یادآور می شویم که فرموده رسول خدا و به تأکید مکرر ائمه راستین «سود مؤمن بر مؤمن ریاست» محدثین حسن طوسی مؤلف استبصار در رابطه با این اصل از این بابویه نقل می کند که این مقارن قیام قائم است که دولت به اسامان بازگشته - حکومت اسلامی - که بفرمان آنها میشود عمل کرد و مؤمن احتیاج ندارد از برادر مؤمنش سود ببرد که بر وی حرام شد.

معنای این سخن بوضوح آنستکه اگر در شرایط حکومت غیر اسلامی، نوعی سود بردن از کار برادر مؤمن تجویز می شود، صرفاً مربوط به آن است که قدرت در دست اهل جور است و مؤمنان برای گذران زندگی مجبورند به نظامات و مقررات حاکم تن بدهند و الا در جامعه توحیدی این نوع رابطه حرام است و کسی جز با کار حق کسب درآمد ندارد و جز بر محصول کار خود مالکیت ندارد.

پایان

زیر نویس:

- ۱- استبصار، ج ۳
- ۲- فروع کافی، ج ۵ - ص ۲۷۹
- ۳- همان مأخذ
- ۴- همان مأخذ
- ۵- سنن ابن ماجه، ج ۲ - سنن ترمذی، ج ۲
- ۶- سنن ابی داود و سنن ابن ماجه و سنن نسائی با شرح جلال الدین سیوطی
- ۷- فروع کافی، ج ۵
- ۸- وسائل الشیعه
- ۹- همان مأخذ
- ۱۰- فروع کافی، ج ۵ ص ۱۷۸
- ۱۱- استبصار، ج ۳
- ۱۲- مستدرک
- ۱۳- فروع کافی، ج ۵
- ۱۴- همان مأخذ
- ۱۵- نهج البلاغه - ص ۹۲۹
- ۱۶- تحف العقول

# کارنامه اقتصادی

بقیه از صفحه یک

اقتصادی دولت موقت در زمینه های گوناگون کشاورزی، مسکن و... با اعداد و ارقام مشخص شود. سیاست کشاورزی دولت موقت انقلاب، نشان میدهد که کار گزاران وزارت کشاورزی پیرو تئوریهی کار افتاده اقتصاد سرمایه داری بودند. بر اساس نظرات اقتصاددانان غرب، برای رهائی از رکود اقتصادی باید پول به سیستم تزریق کرد تا از گانهای مختلف اقتصادی بفرکت در آید. در حالیکه عدم کارائی این تئوریهی بسویزه در کشورهای توسعه نیافته ثابت شده، باز هم کار گزاران کهنه اندیش سابق، سعی داشتند از همان روشهای سرمایه داری استفاده کنند و بار بختن پول در روستا، بدون هیچ برنامه مشخصی، روستا را آماده شده تصور کنند. باید افزود که تحولات سیاسی اخیر در ایران، نشان داد که نه تنها بعضی از تصمیم گیرندگان دولت موقت دارای افکار سرمایه دارانه بودند و در تحلیل خود از اقتصاد ایران دچار اشتباه شده بودند، بلکه بعضی دیگر، سرسپرده بوده و بسعد ناسپودی کشاورزی (و کلاً اقتصاد) ایران را میخواستند! پولی که بدین ترتیب به روستا تزریق کردند نه تنها بیکاری را برطرف نکرد و نه تنها سطح تولید کشاورزی را بالا نبرد، بلکه تورم و نیز فروش کالاهای مصرفی غرب را در ایران، افزایش داد. لازم بتذکر است که اگر در بعضی نقاط کشور تولید کشاورزی نسبت به سال گذشته افزایش نشان میدهد، معمولاً ناشی از تشویق های امام پامر کشاورزی و نیز ترس مردم از محاصره اقتصادی در آینده است. مطلب دیگری که اهمیت دارد اینست که در برنامه دولت، پرداخت وام برای موارد مهم و حساسی نظیر قالی بافی و صنایع دستی در درجه اول اهمیت قرار نگرفته است. در حالیکه با بحران بیکاری، کاهش تولیدات داخلی و مهاجرت روستائیان بشهر روبرو هستیم، مبلغ متناسبی جهت احیای صنایع دستی و قالی بافی در روستا تخصیص نیافته است. برای نمونه در ۶ ماهه اول امسال فقط مبلغ ۶۶۴۰۰۰۰۰ ریال وام جهت قالی بافی و صنایع دستی در ۱۲ شهر و استان فوق الذکر پرداخت شده. این مبلغ در سه ماهه اول امسال برای شهرهای ساری، بوشهر، مشهد، ایلام، شهر کرد، اهواز و استانهای اصفهان، سیستان و بلوچستان و چهارمحال بختیاری فقط ۶۳۰۰۰۰۰ ریال بوده است. این مبلغ در برابر پول سرسام آوری که زیر عنوان «وام نظارت نشده» به کشاورزان داده اند و بصرف امور جاری (غیر تولیدی) رسیده، بسیار ناچیز است.

نکته بعدی در این رابطه، مقایسه وام پرداختی در استانهای مختلف کشور است. دو جدول زیر تبعیض بین استانها و شهرهای مختلف کشور را در رابطه با وام کشاورزی نشان میدهد. جالب توجه است که کمترین وام به استانها و شهرستانهای پرداخت شده که ظلم طاغوت بیش از هر جای دیگر گریبان آنها گرفته است، معلوم نیست بچه علت در دوران جمهوری اسلامی هم، چون زمان طاغوت این چنین مورد بی مهری کار گزاران دولت موقت واقع شدند.

جدول شماره ۲) مقایسه وام سرانه در شش ماه اول سال جاری

منطقه	شهرستان همدان	شهرستان یزد	شهرستان بوشهر	شهرستان اصفهان	شهرستان آذربایجان غربی	استان سیستان و بلوچستان	استان مازندران
وام سرانه	۷۹۲	۲۶۸۱	۶۹۲	۲۲۹۲	۱۱۲۹	۲۱۸	۱۹۵۲

مأخذ: روزنامه جمهوری اسلامی - شماره های شش ماه اول سال جاری

منطقه	کل وام پرداختی بهریال
بوکان	۷۰۰۰۰۰۰
مهاباد	۷۰۰۰۰۰۰
نقده	۱۰۸۰۰۰۰۰
گناباد	۵۵۱۳۲۰۰۰
فلورجان	۲۲۸۰۰۰۰۰
نجف آباد	۱۲۰۰۰۰۰۰
چالوس	۱۸۵۰۰۰۰۰
ساری	۱۰۳۰۰۰۰۰
استان اصفهان	۱۶۶۶۰۰۰۰۰
استان سیستان و بلوچستان	۲۳۷۷۰۰۰۰
استان آذربایجان غربی	۹۶۰۰۰۰۰۰

مأخذ: شماره های روزنامه جمهوری اسلامی در شش ماهه اول امسال

دو جدول فوق نشان میدهند که تقسیم وام کشاورزی بین مناطق مختلف کشور غیر عادلانه بوده است. وام سرانه استان سیستان و بلوچستان و شهرستان بوشهر، در مقایسه با استانها و شهرستانهای دیگر بسیار کمتر است. در حالیکه دولت موقت میبایست به مناطق عقب مانده کشور، توجه بیشتری مبذول دارد.

جدول شماره ۳ نشان میدهد که وام پرداختی به کشاورزان بوکان، مهاباد، نقده و گناباد به نسبت کمترین وام پرداختی به کشاورزان فلورجان، نجف آباد میباید، در حالیکه میدانیم در چهار شهر اولی در دوران طاغوت ظلم اقتصادی بیش از مناطق دیگر بوده است. وامی که به این چهار شهر تعلق گرفته، کمتر از شهرهای کم جمعیتی چون نجف آباد و فلورجان است. مقایسه وام پرداختی در استانهای اصفهان و بلوچستان مارا بهمین نتیجه میرساند سیستان

## ● قسمت اعظم پولی که بانک تعاون کشاورزی در ماههای اخیر سرازیر روستاها کرده، هرگز در خود روستا سرمایه گذاری نشده

## ● سیاست کشاورزی دولت موقت انقلاب نشان میدهد که کار گزاران وزارت کشاورزی پیرو تئوریهای از کار افتاده اقتصاد سرمایه داری بودند

و بلوچستان در حالیکه پیوسته در زیر ظلم طاغوت دست و پا میزدند فقط ۲۳۷۷۰۰۰۰۰ ریال وام، و اصفهان ۱۶۶۶۰۰۰۰۰۰ ریال وام میگرد. این اختلاف بهیچوجه قابل توجیه نیست.

## پابرجائی نابسامانیهای دیگر در سطح روستا:

دولت موقت، اقدام موفقی در جهت زدودن آثار دیگر طاغوت در سطح روستا انجام نداد. زمینهای چندین هزار هکتار و مرغوب در دست زمین داران بزرگ باقی ماند و روستائیان مجبور شدند در دوران انقلاب هم بر سر روی زمینهای نامرغوب کشت کنند. دولت موقت، هر بار شایعه ملی شدن اراضی بزرگ کشت و صنعت بر سر زبانها می افتاد، آنرا تکذیب میکرد و مرتب اعلام میکرد که هیچگونه طرحی در این زمینه به شورای انقلاب ن داده است. فروش و مسائل مکانیزه کشاورزی نظیر تراکتور باقسط و با بهره ۷٪ توسعه ماشینهای کشاورزی است از موارد دیگریست که نشان میدهد همان ضوابط دوران طاغوت در دوران انقلاب بکار گرفته شده است. بعضی جنبه های دیگر سیاست کشاورزی دولت موقت که ظاهر امر همی بنظر میرسد و در باطن دنباله همان روشهای اصلاح طلبانه و محافظه کارانه رژیم سابق است، بدین قرار میباید: توزیع سم رایگان بین روستائیان و سیاست کشتزارها بطور رایگان و یا عرضه رایگان تراکتور و لوازم بیدگی آن و همچنین تضمین خرید برنج، سیب زمینی، پیاز، برتقال و... از طرف وزارت کشاورزی و عمران روستائی، از مواردیست که به تقلید از سیاست کشاورزی دولت سرمایه داری شاه صورت گرفته است تجربه ثابت کرده که این نوع سیاستهای رفهرمیستی، هرگز نمیتواند درد کهنه کشاورز ایرانی را درمان کند، کما اینکه در گذشته نیز نتوانست.

آخرین نکته اینکه، در ماههای گذشته، اگر مواردی از عملکردهای انقلابی در بخش کشاورزی دیده شده، از ناحیه بعضی ارگانهای انقلابی غیر دولتی بوده و معمولاً این عملکردها مورد تأیید دولت واقع نشده است. تقسیم زمین در بعضی مناطق کشور (شمال و...) توسط سپاه پاسداران و یا حتی خود مردم، در این زمره است. در این نوشتار گوشه های از سیاست اقتصادی دولت موقت روشن شد و دیدیم که لیبالیسم سازشکار چه بلاهای اقتصادی و سیاسی بر سر خلق ایران آورده است. در قسمتهای آینده، جنبه های دیگر سیاست اقتصادی دولت موقت نظیر سیاست مسکن و... مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ضرورت تهیه چنین گزارشی از آنجاست که برهه تاریخی و حساسی که دولت موقت در آن بسر میبرد، هرگز فراموش خلق فهرماتان نخواهد شد. شور انقلابی خلق آنچنان انتظاراتی از این دولت داشت که هرگز نمیتوان کارهای ضروری انجام شده و آرمانهای انقلابی تحقق نیافته را فراموشی سپرد. اگرچه رئیس دولت خود را فقط راننده جدیدی برای ماشین نظام سابق میدانست سابق میدانست تا خود را از مسئولیت تغییر و زیر و رو کردن نظام بدور دارد، ولی هرگز توده ها خواسته های نابرابر خود را فراموش نخواهند کرد و در جهت تغییر وضع موجود باز هم خواهند خروشید.

در قسمت اول گزارش، به عملکردهای دولت موقت، در سطح روستاها، مسیردازیم. اعداد و ارقامی که مورد استفاده قرار گرفته، اکثراً از روزنامه های کثیرالانتشار کشور و یا از سالنامه های آماری سازمانهای مختلف دولتی بدست آمده است.

## بازمانده شوم رژیم مخلوع:

سیاست اقتصادی رژیم سابق در کشاورزی، صددرصد ضد دهقانی و بسود سرمایه داران بزرگ و سرمایه انحصاری خارجی طرح ریزی شده بود. این سیاست، با تسریع مهاجرت دهقانات بسوی شهرها از یکسو، و تشویق رشد نامتعامل سرمایه داری از سوی دیگر، منجر به از بین رفتن کشاورزی ایران شد. و این قانون رشد سرمایه داری است که تمرکز ابزار تولید در دست مالکان، دهقانات را از زمین میراند و راهی شهر میکند.

طی دوران برنامه پنجم، مهاجرت روستائیان سریع تر از پیش بود سهم نسبی دهقانی این بخش در کل اشتغال از ۴۹ درصد در آغاز برنامه به ۳۴ درصد در پایان برنامه رسید. میزان درصد شهرنشینی در ایران بنحو خوبی رویه ای افزایش یافت، بطوریکه در استان مرکزی به ۷۹٪ درصد، در استان اصفهان به ۶۲٪ درصد و در استان یزد به ۶۰٪ درصد رسید بعد از استان مرکزی، از نظر رشد شهرنشینی، استانهای اصفهان و یزد در درجه اول قرار دارند، این از یکسو ناشی از آسیب پذیری کشاورزی این دو استان (بخاطر کشت آبی) و از سوی دیگر نسائی از رشد نامتعامل



### در روستاهای اطراف فیروزآباد فارس فتودالها بر مردم مستضعف حکومت می کنند

در نزدیکی فیروزآباد فارس طایفه ای بنام طایفه جگینی از طوایف ایل قشقایی مستقرند که نیمی از افراد این طایفه دامدارند و زندگی ایلی دارند و بقیه در شهرهای زندگی می کنند. در روستای مونسگان و نجفآباد که پرتیب متجاوز از ۱۲۰ و ۸۰ خانوار سکونت دارند دو خانواده مستغذ و زورگوسنام کبخایا سرپرست حاکم طایفه در روستاهای مزبور بوده و هم اکنون فرزندان آنها عهددار این ستاند و با سلطه خویش زندگی را بر اکثریت مردم این طایفه سخت و رقتبار ساخته اند که مشابه این وضع شاید در هیچکدام از کشورهای زایدپرست دنیا نظیر ندانسته باشد. اکثریت ساکنان روستا که دهقان و کارگرد مجبور هستند برای امرار معاش خود برای آن عده معدود پیگیری کنند که یادآور اصول سیاه برده داری عصر حاضر است. رنوه خواری، اخذ مالیات و بخصوص تفرقه اندازی بین مردم مسلمان از دیگر اعمال بلیده آنهاست و مهمتر از همه اینکه آنها که از قضا و عدالت چیزی نمی دانند امروزه در لباس قاضی به مجازات مردم پرداخته و جریم سنگین نقی از آنها دریافت می کنند. به علاوه زمینهای مزروعی روستاها و عشایر صرف نظر از سهم ناجیزی که بر طبق اصلاحات ارضی فرمانی بین هفت الی هشت نفر تقسیم گردیده کلاً بوسیله نامبردگان که فرزندان کاکایان حیدری و افراسیاب خسروی غصب نده و بوسیله استعمار کارگران دهقانان زحمتکش و محروم و استفاده از نیروی کار آنها هر آن سفره های خود را رنگین تر می سازند. ادامه تبعیض نژادی بین اکثریت محروم و اقلیت

مذکور آنچنان بیشترفته که از زندگی آزاد و طبیعی جهنی بنام زندگی ساخته است. بس از انقلاب بر سرکوه خلق مسلمان ایران، عشایر و روستائیان مزبور گمان بردند که بر فصل جدیدی در زندگی آنها بید آمده است اما با اقدامات محافظه کارانه دولت، مستکبران فوق فرصت تقویت یافتند و محروم هم جان زیر یوغ استبداد اسیر ماندند. و این زالو صفنان جهت تداوم وضع موجود و نگهداشتن مردم در فقر دانسماً جوانان تحصیل کرده و مبارز طایفه را سرکوب می نمایند که میاد بدران و مادران و کسان خود را از استبداد و اعمال دهنشانه منشی خان آگاه سازند و بر علیه آنان قیام کنند. و از آنجائی که تبعیض نژادی و رعایت سلسه مراتب ارباب و رعیتی گسویی در خون بزرگسالان منطقه عین است و «خان» را موجودی برتر و بزرگتر می دانند که از هر لحاظ بر آنها برتری داشته و دارد؛ خود مستضعفان نیز به نیرو گرفتن آنها کمک می کنند.

و سرانجام اگر چه آنچه آمد منشی بود از خوارها در مردم محروم این سرزمین ولی باید اضافه کرد که ادامه این وضع و بخصوص برخورد نیروهای جوان انقلابی و مسلمان عشایر و روستاها با اربابان مفتخور و از خدا بی خبر و استعمارگر خیر از حوادث ناگوارتری را در آینده میدهد که به اقدام عاجل سخت نیاز مند است.

دورود بر اسام خینی رهبر انقلابی توده های جوانان و مبارزین مسلمان طایفه جگینی مستضعف ما

### قشقائیان، تحت استثمار و استعمار

من بعنوان فرزند یک قشقایی که سالها سال است تحت استثمار و استعمار بوده و استثمار به معنای واقعی را با پوست و استخوان لمس کرده و می کنم می خواهم - بدترین نوع استثمار را که در ایل قشقایی موجود است و متأسفانه تا حال هیچ قلم بدست و روشنفکر نامی از بدبختیها و استثمار این طبقه نبرده و مقاله ای در این باره نگاشته نشده است با اجازه می خواهم دشمنان این قوم آواره در صحراها را معرفی نسایم و طرز چابول خلق الله را توسط طبقه ای به عنوان سرمایه دار بیان نمایم.

سیستم فتودالی که ریشه قوی در میان این قوم داشته و دارد - آنچنان این قوم را از لحاظ فرهنگی و پیش اجتماعی در سطح پائین نگه داشته - که حتی دشمن جان و مال خود را نیز نمی شناسند و آنچنان فقر در این قوم ریشه دو نیده که یکسال به تکه های نسان خشک بسته می کنند. طبقه ای از خدای خیر به عنوان سرمایه دار - که سرمایه را تبدیل به گله های گوسفند کرده اند، اکثر افراد ایل قشقایی را تحت عنوان (نیمسوددار) به بدترین نوع استثمار میکنند، بدین صورت که این افراد بخاطر نداشتن هیچگونه امکانات زندگی و بی سوزی این عناصر استثمار کننده میاورند و آنها - تله ها را از پیش برای این شکاران بی گناه و از همه جای خیر آماده نموده اند - تعدادی گوسفند به مدت چند سال به عنوان نیمسود - به این افراد میدهند و قرار نامهای نیز به همین عنوان (نیمسودنامه) از آنها گرفته که شامل مواد زیر میباشد.

۱ - از هر گوسفندی به مقدار معین روغن چه شیر داشته باشد و چه شیر نداشته باشد سالانه تحویل صاحب گوسفند دهد و اگر نتوانست قیمت روغن به نرخ روز پرداخت گردد.

۲ - هر چه عایدات گوسفندان در یکسال باشد نصف آن مال صاحب گوسفندان میباشد.

۳ - سرمایه هر چه خسارت وارد گردد و یا اگر چند رأس از گوسفند مایه تلف شود - نیز نصف آن را باید نیمسودار به صاحب سرمایه پرداخت نماید.

در پایان یادآوری میگرد که صاحب گوسفند فقط قراردادی را با فرد مقابل بسا عنوان مذکور امضاء می کند و در جیب مبارک میگذارد و دیگر اصلاً در زحمات طاققت فرسای هیلای و قتلای آن سهم نیست و از زیر مخارجی هم که بر گوسفندان میشود در می رود، بهر صورت دردی است که با شما در میان گذاشتیم تا شاید صدای مظلومیت طبقه ای از خلق مسلمان به گوش اهل حق برسد.

باتقدیم احترام - امراله صادقی درمذوری

که عامل، خود تعیین میکند و با رضایت طرفین قرارداد منعقد میشود. بسته باینکه چه نوع در و بستنچه یا قفسه ای خواسته آید و با کدام مواد اولیه، قطعاً مزد پرداختی فرق خواهد داشت. با ساختن یک اطاق را به بنا و گذار می کنید و وی با توجه به حجم کار سفلی پیشنهاد می کند، این غیر از مزدوری در تولید است که شما شخصی را روزانه اجیر می کنید با قیمت ثابت تا برود برای شما در مزرعه، جنگل، رودخانه یا کارخانه کار کند و صرف نظر از اینکه روزانه چه مقدار کار انجام دهد و چه اندازه محصول تولید و یا حیازت نماید مبلغ ثابتی در روز دریافت می کند. اسلام این نحوه مزدوری را رد و منع می نماید. اسناد و مسأخذ موارد فوق بیشتر و در همین بحثها آمده است.

اکنون که معلوم شد اولاً اسواد اولیه و زمین و سایر منابع طبیعی بدون حیازت و انجام کار قابل معامله و خرید و فروش نیستند. ثانیاً هر مقدار از این مواد حیازت شده همه متعلق به عامل و کارگر است و سرمایه و ابزار کار سهمی در محصول نداشته، سودی بآنها تعلق نمی گیرد و اگر متعلق به عامل نباشد، فقط کرایه و اجرت المثل به صاحب آن پرداخت میشود و ثالثاً بدون انجام کار مشخص و مثبت دریافت سود و عایدی حرام است و رابعاً مزدوری در تولید و حیازت ممنوع است و مزد فقط در برابر کار و خدمت معین و بر طبق قرارداد پرداخت میشود.

ببینیم علت وجودی مزارعه و مضاربه چه بوده است، چگونه با موازین فوق سازگاری پیدا میکند.

### شرایط اجتماعی تجویز مضاربه و مزارعه

در بررسی تاریخ دیدیم که قراردادهای مشابه مزارعه و مضاربه پیش از اسلام وجود داشته است، اما در دوره حکومت پیامبر در مدینه و در جامعه توحیدی که رسول خدا در این شهر بوجود آوردند و در قلمرو زندگی مؤمنان این قراردادها لغو و باطل میشود و مناسبات تازه ای که در حوضان گذشت، حاکم میگردد.

در روایات منقول از رسول اکرم، حکم و دستوری که این مناسبات را در حکومت و در جامعه اسلامی مجاز می شمارد دیده نمیشود، لکن در اوار بعد از پیامبر و در ممالک اسلامی، مجدداً با این قراردادها روپرو میشود، چرا بعد از آنکه پیامبر خدا مناسبات تازه ای برقرار و روابط فوق را از میان برداشتند، مجدداً آمیاه شد؛ برای پاسخ باین سؤال باید از یاد نبریم که لاقبل از دیدگاه ما مسلمانان سهمی، حکومت اسلامی و جامعه توحیدی جز در زمان شخص پیامبر اکرم در مدینه و تا زمان حکومت علی، در سایر ادوار وجود نداشته و برقرار نبوده است. ما جامعه زیر سلطه خلفای اموی و عباسی و سلاطین بعدی را اسلامی نمی دانیم، یعنی قدرت اجرائی و قانونگذاری در این ادوار، در دستهای کسانی است که علیرغم تظاهر به اسلام، مسلمان و مؤمن نبوده اند و از قوانین اسلامی و قرآن پیروی نمی کردند. حکومت جور و غیر اسلامی حاکم بوده است. حکومت اشراف، برده داران، زمین داران، مستبدین و مستکبرین، علت قیام علی و یاران صدیق وی و قیام خونین حسین و مبارزات و مخالفتهای آنه چیزی جز آن نبود که خلافت پیامبر از مسردست و راه حق خارج و از اصول اسلام منحرف گردید و به سلطنت و حکومت ظلمه تبدیل شد.

اراضی مسلمان در ملکیت خصوصی اشخاص در آمد. حکام زمینها را تصاحب و بسین دوستان و خویشان و سأموران لشکری و کشوری خود تقسیم کردند. اینکار از زمان خلیفه سوم آغاز شد و چنانکه می دانیم اولین ماده برنامه حکومت علی پس گرفتن املاک و قطایع از اشخاص و بازگرداندن به مالکیت عمومی مسلمان بود. بعدها بنی امیه و بنی عباس با گستاخی بیشتری همه اصول اسلامی را زیر پا نهادند و اموال و ثروتها و املاک را بخود اختصاص دادند و بهر هم نربانهای اقتصادی جنگ انداختند و به انحصار خود محروم شدند. بر طبق احکام اسلامی، سرزمین مفتوحه ایران و همه املاک ملک مسلمان می باشد و باید زارعین روی آن کشت کنند و مالیات بسولت اسلامی بردارند، اما با سلطه خلفا و سلاطین جور، بسیاری از فتودالها و مالکین ایرانی (دهقانان) که در حکومت قدرت در آمدند، توانستند املاک خود را حفظ کنند و یا مجدداً بدست آورند و مالکان جدیدی هم بر آنها اضافه شدند. زارعین بدون زمین ماندند و برای زراعت ناچار بودند به همانها روی آورند و در خدمت آنها در آیند. در روایات پیشین از امام صادق خواندیم که خرید زمین از مالکان را منع می کند مگر آنکه آنرا خرید، به ملکیت مسلمان در آورند و می فرمایند حکومت اسلامی (اگر برحق باشند و بخواد) باید این

املاک را مصادره کند زیرا ملک مسلمان است و نباید در مالکیت خصوصی اشخاص بماند و کسی که این اراضی را خرید، پول خود را پس می گیرد و زمین بر مردم باز میگردد. نظیر این احکام و قصاصتها در زمان امام علی هم صادر شده است، بخصوص درباره اراضی عراق که تازه مفتوح شده بودند. اما در زمان خلفای عباسی و اموی، قدرت حکومت در دست ظلمه و غاصبین است و ائمه فاضل قدرت قانونگذاری و اجرائی می باشند. اراضی هم در ملکیت آنان و سلاطین و فتودالها است و زارعین چه باید بکنند؟ آنان که به ائمه ایمان داشتند رجوع می کردند و کسب تکلیف، آنها میشد دستور داده همه اراضی را ترک و آواره و گرسنه بمانند؛ این مناسبات غیر اسلامی در شهرها هم حاکم بود. معادن، جنگل و مرتع همه در ملکیت زورمندان درآمد بود. بسولت اجازه آنان کسی حق بهره برداری و حیازت نداشته است. حتی تجارت خارجی هم تدویراً در کنترل و انحصار خلفا و اطرافیان آنها درآمد. بیت المال به مقام مایملک شخصی آنان تلقی میشد. ائمه می باید ضمن حفظ اموال و پاسداری از قوانین اصیل مکتب، راه چاره ای بجویند تا بپروانشان قدر بجز زندگی کردن و ادامه مبارزه باشند. اجتهاد ائمه در این دوره تاریخ خاص که قدرت در دست اسلام نیست و جامعه غیر اسلامی است و قدرت در دست اهل حق است، مسلماً اسلامی است و فرق دارد. در آن شرایط می باید هم اصول اسلامی را معرفی و یادآوری کنند و هم راه حل ارائه دهند. در احکام بسیاری که از ائمه در این دوره صادر شده است، راهنمای کرده اند که گره گشائی از کار مردم بشود و در همانحال فراموش نکنند که در قلمرو جور و ستم هستند و آنچه به آنها تحمیل میشود اسلامی نیست و قاعده و اصل درست در دهقان بماند و وظیفه خود را در مبارزه با باطل و برای اجرائی حق و استقرار حکومت اسلامی از یاد نبرند.

مثلاً امام صادق که می بیند اراضی را قدرتمندان در ملکیت خود در آورده اند، در حالیکه باید در ملکیت مسلمان باشد و هر زارع بر طبق قواعد اسلامی و اگر جامعه توحیدی بود، بر روی زمین خود کار کند و محصول متعلق باو باشد و مالیات لازم را بپردازد اما اکنون ناچار است به قراردادهای تحمیلی از جانب مالکان تن بدهد و در غیر اینصورت زمین برای کشت در اختیار او نخواهد بود. مالکان همانند دوران پیش از اسلام مجدداً در ازاء اخذ سهم معینی از محصول، اجازه کشت بهزارعین می دادند.

مالکان در ازاء واگذاری زمین، پلنر و گاو و یا یک چند از این عوامل، ۱/۱۰، ۲/۱۰، ۳/۱۰ محصول را از زارع می گرفتند. زارع می باید تن با این قرارداد بدهد، امیام این رابطه را صحیح نمی دانستند، اسلامی و فرعی نمی دانند، لذا برای آنکه هم زارع بتواند درآمدی داشته باشد و هم پلنر باشد که قرارداد اسلامی نیست و نظام اسلامی بر این ظلم معترض است و معامله پساین صورت باطل است، می گویند نباید رسماً اقرار و قبول کنی، عللاً بپذیر اما رسماً نه عللاً تسلیم شو، اما در اندیشه و قلب و آگاهی نه و همیشه باید باشد که این رابطه باطل است و باید با آن بجنگی تا حکومت حق بپاید و رابطه صحیح اسلامی برقرار شود.

از امام صادق درباره مری که روی زمین دیگری کار می کند و شرط مالک آنستکه ۱/۱۰ برای صاحب پلنر، ۲/۱۰ برای گاو بگیرد، فرمودند صحیح نیست نام پلنر و گاو بیاورد که این کلام کار را حرام میکند و در حدیث دیگری این جمله را اضافه می کنند که تمام هر چیزی (هر عاملی) را ببری، کلام حرام میشود. امام در موارد دیگر بهزارعین اجازه می دهند بجای دادن سهمی از گندم یا جو، خرما و هر محصول دیگری که کشت می کنند و با حق نطف و اربعه که در اسلام باطل است و نباید داد، پول (طلا و نقره) بدهند. پس اینکار بهزارع مؤمن یادآور میشوند که از نظر اسلام، همه محصول متعلق ببنی زارع است و نباید سهمی از محصول به مالک یا صاحب گاو و پلنر بدهی، اما حالا که مجبوری، پول بده تا بابت نرود که زیر فشار و بزور می دهی، امام صادق فرمودند زمین را اجازه بگیرد، در عوض گندم و جو و خرما یا حق نطف و اربعه ندیده ولی طلا و نقره اشکال ندارد. در جای دیگر باز تأکید می کنند زمین را اجاره نکند و در عوض گندم بدهد و در آن گندم بکار بدهد.

یعنی حتی اگر مجبورت کردند که از همان محصول که کشت می کنی، سهمی به مالک بدهی و پول از تو بپذیرفتند، مبادا همان گندم که خود کشت کرده ای، بدهی، چون گندم بدست آمده از آن زمین مال تست و نباید به مالک بدهی، برو گندم دیگری را بخر و به مالک بده. باید در ظاهر دستور لغوی بظنر رسد که

در نظام توحیدی سود...

بقیه از صفحه ۹

استهلاک خود دریافت می کنند. اسلام هر نوع رابطه اجاره ای و مزدوری و مضاربه را در تولید و حیازت مواد طبیعی نفی و منع می کند. یعنی اجازه نمی دهد شما بخشی را اجیر کنید و روزانه مزد بدهید تا برای شما سنگ آهن یا نیک استخراج کند یا ماهی گیری کند و یا درختان جنگل را قطع نماید. هم چنین هر نوع و کالت را هم در این رابطه ممنوع می کند. یعنی به شما اجازه نمی دهد شخص را از جانب خود وکیل کنید تا برای شما ماده ای را حیازت نماید و زمین را آماده کشت و بهره برداری کند. این مناسبات چه به اجبار و ناآگاهانه و چه از روی رضایت و آگاهانه انجام گیرد، باطل است. در هر حال محصول متعلق به عامل یعنی کارگر و حیازت کننده است.

محقق اصفهانی در کتاب اجاره می نویسد، قرارداد اجاره در تصاحب محصول بوسیله مستاجر یعنی تملک آنچه عامل کار، کار خود تولید و حیازت نموده، بلا اثر می باشد. از این رو اگر عامل کار سهمی را حیازت کرده باشد، خود مالک و صاحب آن محصول میگردد و چیزی به مستاجر تعلق نمیخواهد گرفت. علامه حلی در قواعد: اگر کسی به کار صید یا جمع آوری هیزم و علف بپردازد یا چیزی را به قصد تقسیم با شخص دیگر حیازت کند، تصمیم مزبور مؤثر نیست و تمام محصول از آن شخص او خواهد بود. در جای دیگر می گوید اگر کسی تور ماهیگیری خود را در اختیار شخص ماهیگیر بگذارد و در عوض توافق شده باشد که حصه ای از آنچه صید شده، صاحب تور

بردارد. چنین تصمیمی را نافذ نمیخواهد بود، بلکه صاحب تور تنها اجرت تور را می گیرد و تمامی ماهی صید شده به ماهیگیر متعلق خواهد بود.

در کتاب جواهر بحث صید: اگر کسی تور ماهیگیر را غصب و با آن صید کند، تمام ماهی از آن اوست، فقط باید اجرت المثل تور را بپردازد. حتی اگر استفاده نکرده باشد باید اجرت المثل پرداخته شود، زیرا امکان استفاده را از صاحب آن گرفته است. شیخ طوسی در مبسوط ضمن تأیید نظر فوق می گوید: حتی اگر صیاد با نیت اینکه صید را به امر بدهد، باز هم صحیح نیست. محقق حلی: در شکایت. اگر یکفتر چاربا، دیگری طرف برای آوردن آب بپایان بگذارد که آب را قسمت کنند، عقد معتقد نمی شود. آب متعلق به سقا است، به صاحب چاربا طرف اجرت المثل میدهد. تمام کتب فقهی معتبر در مسایل فوق متفق النظرنند.

حال اگر کسی بجای تور ماهیگیری، بیل و کلنگ در اختیار دیگری گذاشت تا سنگ آهن معدن استخراج کند، می تواند در محصول سهم خود و سنگ معدن به کدام یک متعلق داده جواب اسلام این است که به عامل یعنی کارگر و صاحب بیل و کلنگ، کرایه ابزار خود را می گیرد. حال اگر کسی سرج و پستندگی به دیگری داد تا پنبه ای خود را برسد، آیا جز کرایه جرخ خواهد داشت؟ بدهی است اگر ابزار کار هنگامیکه در اختیار عامل است، روی سهل انگاری عامل از بین رفت و از جز آنستفاد ساقط شد، وی موظف به پرداخت قیمت آن با دادن عوض آن می باشد. از این قواعد معلوم میشود که صاحب سرمایه (ابزار کار) در محصول سهم نمی شود و سودی باو



جوانان و مبارزین مسلمان طایفه جگینی مستضعف ما

### در نظام توحیدی سود...

مزد متناسب با مقدار کار و خدمت و کیفیت آن است

مزد متاسب با مقدار کار و خدمت و کیفیت آن است



### ادامه افشای جریان وابسته

بقیه از صفحه ۶

علاوه بر این، کم نبودند مامورین جریانی را که بعد از انقلاب در صدد بخیزند روابط ایران و آمریکا را که می رفت به جهت خلق قهرمان ما پاره شود، بودند. بخوبی می نمایاند. چنانچه در صورت ادامه افشاگریها خواهد توانست پرده از چهره جریان خائنه ای که یکسایه ای ساواک - سیا که در جهت حفظ منافع امپریالیستی شکل گرفته بود، بردارد افشاگریهای دوم دانشجویان

آقای بازرگان و کسانیکه به مدافع از ایشان برخاسته اند، این اسناد را چگونه بررسی میکنند؟ آیا فعالیت بخاطر جلب رضایت آمریکا را در جهت منافع خلق می دانند؟

متأسفانه آنچه که ایشان با امانت توجه ندارند یا خود را به بی توجهی زده اند، ماهیت تماس و روابط است. لزومی ندارد که آقای انتظام کارت جاسوسی از سیا دریافت کرده باشد. حتی صرف رابطه داشتن نیز مهم نیست و این طبیعی است که هرگز کسی را نمیتوان بجزم مذاکره با این یا آن فرد خارجی و حتی امریکائی جاسوس تلقی کرد. بلکه آنچه باعث میشود فردی خائن یا جاسوس تلقی گردد ماهیت روابط و

### اطلاعاتی که «سیا» به امیر انتظام میدهد، آیا ماهیتاً میتواند در جهت منافع خلق و انقلاب باشد

### جریانات چند روز اخیر و دفاعهای جانانه از امیر انتظامها دقیقاً بیانگر تراس و وحشتی است که نیروها و عناصر سازشکار و مرتجع در متزوی شدن از خود نشان میدهند

که پس از ملاقاتها و روابط دراز مدت و سیستماتیک امیرانتظام با سفارت و سیا برمی دارد خود سعی بر وجود چنین جریانی است.

### نحوه و ارائه اسناد

با توجه به این مسئله و نحوه برخورد و تفسیر دانشجویان در رابطه با نهفتن آزادی هر چند که برادران دانشجو به نحوه برخورد انتقاد کرده اند، اما ذکر این نکته لازم است که عده ای گمان نکنند که برادران مستقر در لانه جاسوسی ماهیت اسناد مستتر را پس گرفته و با احياناً از این به بعد جریانات انقلابی افشاگریها را متوقف خواهند کرد. بلکه آنان دقیقاً نحوه ارائه و تفسیر خود را پس گرفته - در حالیکه ماهیت اسناد افشاگریها خود بخود باقی هستند. نباید خیلی مواظب بود تا جریانات سازشکار و ارتجاعی از حسن نیت و صداقت برادران سوء استفاده نکرده و با ایجاد مباحث و خنده در اصل حرکت انقلابی دانشجویان در جهت مخدوش نمودن اسناد و افشاگریها حرکت نکنند. همانطوریکه خلق هوشیار و بیدار ما با تطهیرات و

از تطهیرات است. کسی را که از مامورین زبده «سیا» دستور میگردد و ماموریت می یابد که مامور دیگری را در تهران ملاقات نماید، کسی را که مذاکره در کشورهای دیگر را ارجحتر و بی دردستتر می دانند و در صدد است تا بخاطر جلب رضایت امریکا فعالیت نماید و کسی را که از قبل از پیروزی با مامورین سیا و سفارت امریکا در تماس مداوم و ارگانیکی است و..... جاسوس و خائنین تلقی کردند، اتهام زدن و لجن مال کردن نیست، بلکه کسانیکه می گویند آقای انتظام را از اتهامات وارده می رانند، نه تنها آگاهانه یا ناآگاهانه در جهت لجن مال کردن افشاگریها و اسناد مستتر از طرف دانشجویان بیرو خط امام برآمده اند. بلکه باز هم سعی میکنند سروال سابق هتدرا، افشاگریهای سازمانها و گروهها و عناصر متعهد و مسئول را بهیچ گرفته و در جهت مخدوش کردن آنها بپریند. آقای بازرگان حق دارد که بدافع از امیرانتظام برخیزد و اسناد مستتره را اسنادی دال بر خلوص نیت و مهارت امیرانتظام در دفاع از منافع ایران، تلقی بکند چرا که رویدن دست امیرانتظامها که مستفانانه در دولت سابق (هر چند صرف نظر از نحوه و حوزه

## در نظام توحیدی سود به سرمایه تعلق نمی گیرد

عامل حق ندارد کار را با دریافت سودی بدیگری و اگذار کند، یعنی بدون انجام کار

به کتاب کار و مالکیت و سرمایه صفحات ۳۰۴ الی ۳۰۸ رجوع کنید.

با ظهور اسلام و بعثت پیامبر اکرم و پیروزی پس از هجرت مسلمانان از مکه به مدینه و استقرار در شهر مدینه که از قلمرو تسلط و قدرت ترک خارج شد و مستقیماً زیر حکومت اسلامی پیامبر درآمد، مناسبات شرک آمیز پیشین لغو گردید و زمین و سایر مواد و ثروت های طبیعی - انتقال و فو - از مالکیت خصوصی سلاطین مالکان و فئودالها خارج و به عنوان مالک عمومی مسلمان شناخته شد. از امام صادق از اراضی عراق سؤال شد، فرمود مال تمام مسلمان است. سؤال شد: میتوان آنها را از دهاقین (مالکان) خرید، فرمود نه، مگر آنکه آترا بخری و به مسلمانان بپاز گردانی (مالکان)، اراضی عمومی را در تسلط خود گرفته بودند. ولی اگر والی بخواهد (ولی امر مسلمان باشد) آترا مصادره میکند.

منع خرید و فروش زمین و سایر منابع طبیعی و اتر بر همین اصل است که اراضی در اصل و پیش از آنکه کسی روی آنها کاری انجام دهد در ملکیت خصوصی در نیامد و قابل معامله نمی باشند. هم چنین جنگل، مراتع، آب و سایر منابع طبیعی روی زمین و زیرزمینی، آنچه قابل خرید و فروش است، مورد احیاء یا محصول کار است و الا چه کسی میتواند در این اصل تردید کند که زمین موات قابل تملک و خرید و فروش نیست؟ پس اگر زمینی مورد معامله قرار می گیرد، زمین احیاء شده است و قیمت پرداخت شده تنها مربوط به «عین» یعنی اقداماتی است که روی آن شده، اطاق و ساختمان یا سفح و کرت بندی و نظایر آن، و الا اصل زمین نباید قیمت گذاری شود و مورد معامله قرار گیرد. دلیل دیگر این اصل آنکه اگر زمین

بقیه از صفحه اول

۴- چنانکه دیدیم اگر عامل زبان را بر عهده بگیرد و متقبل شود صاحب سرمایه جز اصل سرمایه، بخر، کالا و ... اضافه ای، سود دریافت نمی کند.

شده عامل حق ندارد کار را با دریافت سودی بدیگری و اگذار کند یعنی بدون انجام کار، درآمدی کسب و سودی عاید شود.

عده در مزارعه از محصول سهمی برای عامل گاو، آب و زمین در نظر گرفته نمیشود و صاحب بذر به همین دلیل سهمی از محصول دریافت می کند.

اکنون ببینیم اولاً قراردادها مضاربه و مزارعه و مساقه در چه شرایطی تجویز شده اند و فائده آنها اصول مستخرجه توسط ما را نقض میکنند؟ کتب تاریخ و حدیث نشان میدهند که این احکام در عصر حیات پیامبر و امام علی (ع) ابطال صادر و تجویز نشده اند.

اصولاً این نوع قرارداد بین زارع و مالک زمین پیش از اسلام در سرزمینهای ایران بین مالکان و زارعان معمول بوده است. کسی که مالک زمین بوده خود آترا کشت نمیکرد و به زارع میداد، در عوض سهمی از محصول «یا یا» یا «یا» دریافت میکرد است. اجاره دادن زمین هم معمول بوده است. مالک زمین آترا کشت و زرع به زارع اجاره میداد و سهم بعضی از محصول بابت اجاره زمین دریافت میکرد. در آن شرایط که زمین در ملکیت خصوصی مالکان (دهقانان)، فئودالها و شاهان و سلاطین بوده است و زارعان - دهقانان معنای امروز - محروم از زمین و آب و وسائل تولید بوده اند، ناچار تن به این نوع قراردادها میدادند. (برای اطلاع بحث و منافع تاریخی آن

راه بیعنامی های بوقوع خود خواستار تداوم افشاگریها و رو کردن دست خائنین و مزدورانی شده اند که در جلد انقلابی و مبارز به نوکری بیگانه مشغولند. امروز، که انقلاب شرایط حساسی را می گذراند نباید با فرصت دادن به عناصر و جریانات سازشکار دست آنان را در خدمت به امپریالیسم باز گذاشت توجه داشته باشیم همانطوریکه در این چند هفته اخیر تصریح شد، با افشاگریها و ارائه اسناد نه تنها مشیت جریانات و عناصر سازشکار باز میگردد بلکه در اثر تداوم و ادامه چنین شیوه ای شکاف بسین خلق و ضد خلق، سازمانها و گروههای مبارز و انقلابی را با جریانات لیبرال و سازشکار و ارتجاعی عمیق کرده و در روند مبارزات و افشاگریهای اصولی قدمهای تسهیل کننده ای در جهت طرد این قبیل عناصر و نیروها بر خواهیم داشت. جریانات چند روز اخیر و دفاعهای جانانه از امیر انتظامها دقیقاً بیانگر ترس وحشتی است که نیروها و عناصر سازشکار و مرتجع در متزوی شدن از خود نشان میدهند. به نظر ذکر این نکته ضروری است که باید نهایت وقت و کوشش را در نحوه ارائه و تفسیر اسناد بفرج داد، و اجازه نداد که کسانی که با سنگر گرفتن در پشت ماسک مظلومیت عمل برادران مستقر در لانه جاسوسی را در جهت افشای چهره خائنان، مخدوش سازند و سعی نمایند که با انحراف مسئله از حول و محور یک جریان خائنه به حول محور فردی، خود را تیره کنند.

باید قبول کرد که امروز ترحم به این قبیل جریانات و عناصر خائن در حکم ترحم بر پلنگ تیز دندان و دشمنان خلق است. باید حمله را شدیدتر نمود و هر چه بیشتر در جهت افشا و طرد اینان بیاخت. خلق ما نباید فرصت ذقیقتی را که بدست آورده به آسانی از کف بدهد و دوباره در اشتباهات گذشته در غلغلند و بقولی از یک سوراخ دوبار گزیده نشود.

ادامه افشای این اسناد که در رابطه با ماهیت سازشکارانه و مرتجع و همچنین وابستگی افراد و بعضی از گروهها است، خط انقلابی را از انقلابی نماها روشن تر خواهد نمود. علی الخصوص افشای نام آنان که از آغاز حرکت انقلابی خلق و رهبر قاطع انقلاب سعی در ممانعت و به انحراف کشاندن حرکت انقلابی را داشتند، هم آتانی که حتی در مدت اقامت امام در پاریس، سعی کردند تا امام را با پیشنهادات پرنامه های خود به سازش بکشانند، که بقیه دانشجویان نام این افراد و سازمانها را برای رشد آگاهی انقلابی خلق افشا خواهند نمود.

از حالت احیاء خارج گردید، از تملک احیاء کهنه خارج میشود و دیگری حق دارد آترا تصاحب و روی آن کار کند، پس آنچه ما در مورد منع خرید و فروش زمین و سایر منابع طبیعی نوشتیم، منطبق با موازین اسلام است و اگر معاملاتی در اسلام روی زمین تجویز شده، زمین آماده کشت است. روایات متعدد نشان میدهند که حق فروشنده یا صاحب زمین منحصر به پهنه ای است که صرف کرده و کاری است که انجام داده و الا بابت اصل زمین حق ندارد.

هر کس زمین بایر را آماده کشت و نهر در آن حفر نمود، محصول از آن اوست و زکوت آترا باید بدهد، اگر چه قبل از آن مال کسی دیگر بود، ترک کرده و خراب شده و حالا بیهاد مطالبه زمین کند. باید بساو گفت: زمین مال خداست و مال کسی که روی آن کار میکند و آماده نموده.

در حدیث دیگری از رسول خدا: «هر کس درختی بکارد و با زمینی حفر کند و مرده را احیاء نماید، مال اوست، اگر قبلاً کار نشده، همه مال اوست - این قضایات خدا و رسول اوست». حال اگر متلاً کسی

زراعت و باغ حق دارد و مازاد را نباید بفروشد. رسول خدا بین اهل شهر در مورد آبیاری نخلستانها فرمودند: نباید جلوی تسفیع چیزی گرفته شود و در بین اهل روستاها فرمودند نباید جلوی آب مازاد بر احتیاج گرفته شود تا بدین وسیله جلوی نفع مازاد روئیدنی هم گرفته شود.

### ۲) و اما درباره مزارعه از زبان رسول خدا

پیامبر اکرم پس از استقرار در مدینه با این وضع مواجه شدند که بعضی مردم مدینه از مسلمانین زمین زراعتی اضافه بر قدرت کشت دارند، یا زمینی دارند که کشت نمی کنند. در مقابل بسیاری از مسلمانین بخصوص مهاجرین فاقد زمین بودند. در آن زمان و پیش از اسلام، اجاره دادن زمین معمول بود. صاحبان اراضی که نمی خواستند شخصاً کار کنند یا زمین زیاد داشتند، اراضی خود را به زارعین اجاره میدادند و یا بر طبق قراردادهای و اگذار می کردند که آنان کشت کنند و در مقابل «یا یا» یا «یا» محصول را می گرفتند، این ترتیب بین زمین داران مدینه معمول بود.

رافع خدیج می گوید «پیامبر، ما را از کاری منع کرد که سود و صلاح ما (مسلمانین) بود. ما (عادت داشتیم) در ازای گرفتن مبلغی جنسی یا نقی زمین را بدیگران بدهیم، پیامبر ما را منع کرد و فرمود: زمین را با خودتان بکارید یا بدهید به برادران بکارید. پیامبر ترتیب اجاره زمین و مزارعه و کرایه و گرفتن سهم را بشدت تقبیح فرمود و تأکید که «زمین را با خودتان کشت کنید و با برادران بکارید» کشت در اختیار برادران بگذارید» در مزارعه هم زمین را یک نفر مالک است می دهد به کشاورز، او میکارد و محصول را تقسیم می کنند. این ترتیب بطور کلی در جامعه اسلامی نهی شده است. کسی که زمین را نمی تواند شخصاً بکارد و یا احتیاج ندارد و زائده است، نباید برادران به برادر دینی خود بدهد.

البته این ترتیب در حکومت اسلامی قبایل اجراست و بین مؤمنان، نه در جوامع غیر اسلامی. در جوامع غیر اسلامی و یا کشورهاییکه مسلمانین زیر حکومت سلاطین، خلفا و دولت های جور و بظواهر مسلم هستند، ائمه ترتیب های دیگری اتخاذ کرده و اجازه داده اند. بحث ما درباره نظام اسلامی و مناسباتی که در حکومت و جامعه توحیدی باید اجرا شود، می باشد. در جامعه اسلامی محصول از آن کسی است که کشت کرده یا درخت را غرس نموده، صرف نظر از اینکه زمین را چگونه بدست آورده باشد حتی در موارد غضب. در شرایط غضب می خوانیم «اگر کسی روی زمین غضبی زراعت کند یا درختکاری کند، محصول و نتیجه درخت مال اوست. صاحب جواهر در شرح این عبارت میگوید: هیچ چا چیزی مخالف این نندیدیم. صاحب تنقیح نقل می کند که در عصر خودش، جمیع علما چنین می گویند، سپس صاحب جواهر معتقد است در عصر ما و پیش از ما جمیع علما همین را اعتقاد داشته اند و می گوید این حکم بر پایه اصول مذهب ماست، زیرا زراعت و درخت مال غضب کننده و خلق شده کار اوست. زمین و هوا مانند آن از چیزهایی هستند که شرایط کار را آماده می کنند و در ایجاد نسر نقی فرعی دارند.

ملاحظه میشود که در عصر پیامبر و در جامعه اسلامی مدینه که حکومت در دست پیامبر است، زمین در اصل در ملک عموم مسلمانین است و در اختیار زارع و محصول فقط از آن زارع است و ترتیب

### چه کسی می تواند در این اصل تردید کند که زمین موات قابل تملک و خرید و فروش نیست؟ در عصر پیامبر و در جامعه اسلامی مدینه که حکومت در دست پیامبر است، زمین در اصل ملک عموم مسلمانین است و در اختیار زارع و محصول فقط از آن زارع است

قصدی آماده کرده باشد، بهمان اندازه سهم و حق دارد. پس تملک تنها به محصول کار و مورد احیاء شده است، نه اصل زمین. منع فروش مراتع و آب و معادن هم مبتنی بر روایات و احادیث فراوان است که احتیاج به تکرار ندارد. در بحثهای پیش به تفصیل آمده است. در اینجا اشارهای به منع رسول خدا از فروش آب مازاد بر احتیاج می کنم: آب حتی وقتی با کار شخص قابل استفاده میشود، از طریق حفر چاه یا قنات یا جاری کردن نهر، عامل یعنی کسی که آب را بروی زمین آورده به اندازه احتیاج خود برای آسایشین یا آبیاری

یک استثناء قائل میشوند، درست همان که مورد سؤال است. ایشان می فرمایند اگر بسپوه زنی یا یتیمانی باشند که قدرت کار ندارند و بدون سرپرست هستند، اجازه دارند زمین را مزارعه بدهند و از سهم عادلانه ای که دریافت می کنند، هزینه های زندگی را تأمین سازند. اما این موارد استثنائی نمی تواند قاعده عمومی نهی اجاره و مزارعه زمین را لغو و بی اعتبار سازد. این قاعده خود متکی بر اصل اساسی تری است، اینکه محصول در هر حال متعلق به زارع است که در روایات قبل بصراحت ذکر شده بود و احکام دیگری آترا کاملاً تأیید می کند. از آن جمله است:

منع اجاره خانه و دادن آن به شخص دیگری با مبلغی بیشتر بدون انجام کار.

منع اجاره آسیاب و دادن آن به مبلغ بیشتر به شخص دیگری.

منع واگذاری کاری که به قیمت معینی تسقیل کرده اید، به دیگری درازاه مبلغ کمتری و سود برفتن بدون انجام کار.

### و نیز روایات زیر:

از امام صادق درباره مردی سؤال شد که نخلی می خرد که قطع کند، می رود نخل می ماند. بعد از مدتی برمیگردد. نخل میوه داده است، میوه مال اوست (یعنی خریدار) مگر آنکه صاحب نخل (فروشنده) در آن مدت آب داده و رسیدگی کرده باشد (که در این صورت میوه متعلق بواست).

از امام صادق سؤال میشود، خطایی که بارچه را می برد و بشاگرد می دهد بوزد و در آخر چیزی برای خودش می ماند. چون کار کرده، مجاز به برداشت شده است.

ایضا از امام صادق: زرگری سؤال میکند، کاری قبول می کنی ولی آترا به شاگردان می سپارم تا کار کند. دو دلت درآمد را به آنها میدهم. فرمود: صحیح نیست (همه درآمد متعلق بآنهاست) مگر آنکه با آنها در کار شرکت کنی. گفتم برای آنها (فلسز) را ذوب می کنم. فرمود: این کار است انکالی ندارد رسول خدا حتی قضایات فرمودند که: «ان صرة النخل للئی ابرها الا ان بشرط الشباع» میوه نخل به کسی است که آسرا بارور کرده، مگر آنکه خریدار شرط کرده باشد (یعنی با پرداخت پول میوه، ضمن خرید اصل درخت شرط کرده باشد که میوه را میخورد) و امام علی بن ابیطالب هم فرمودند «هر کس نخلی را بفروشد در حالیکه آسرا بارور کرده است، میوه مال فروشنده است مگر آنکه خریدار شرط کند»

باز هم رسول خدا قضایات فرمودند «هر کس درختی کانت یا نهی حفر کرد در صورتیکه خودش اینکار را کرده باشد و کسی قبل از او اینکار را نکرده باشد یا زمین بیکاری را احیاء نموده برای اوست، قضایات خدا و رسول چنین است». و امام علی از قول رسول الله فرموده «هر کس مازاد آب را بفروشد، خدا روز قیامت او را از فضل خویش محروم میکند»

### درباره مضاربه

۳) درباره مضاربه و سرمایه گذاری و سودی که به سرمایه تعلق میگردد. ابتدا مبانی اسلامی را درباره نقش کار و سرمایه در تولید و تملک محصول کار ذکر میکنم و سپس شرایط جعل احکام مضاربه و مزارعه را بررسی خواهم کرد.

اگر چه در بحثهای گذشته به تفصیل دیدیم که از نقطه نظر شرع اسلام، عامل اصلی تولید ارزش کار است. مواد اولیه طبیعی از آنجا که در ملکیت خدا و حق عموم مردم و رایگان در اختیار نیازمندان است، با وجودیکه در تولید شرکت مستقیم دارد، اما سهم آن در محصول کار به تولید کننده برمیگردد. ماده اولیه پیش از تحمل هر نوع تغییر شکل و تا وقتی احیاء نشده است، متعلق به عموم مردم است. پس از احیاء به احیاء کننده تعلق می گیرد. احیاء و استخراج ماده اولیه، مستلزم شرکت چند عامل است: کار انسان، وسایل و ابزار (سرمایه). آب بدون کمک بیل و کنگ و انجام کار در نهر یا قنات جاری نمیشود و از چاه بالا نمی آید، معادن استخراج نمی گردند و زمین آماده کشت نمیگردد. در نظام سرمایه داری محصولی که از این راه بدست می آید و یا ماده ای که احیاء میشود، بین دو عامل مزبور تقسیم میگردد و حتی آنچنانکه محصول است، کل محصول به سرمایه تعلق میگردد و کارگر مزدی ثابت و معین دریافت می کند. در اسلام رابطه معکوس است. کل محصول و ماده احیاء شده به کارگر تعلق می گیرد و ابزار کار و سرمایه، کرایه ای بهمیزان



### کارنامه اقتصادی دولت موقت

بقیه از صفحه ۱۱

سرمایه‌داری در این دو استان میباید. در شهرهای جنوبی ایران با این گونه موارد بیشتر روبرو هستیم. برای نمونه بنا به گزارش یکی از روزنامه‌های کشور، ۸۰٪ کشاورزان بهبهان در گذشته جذب کارهای صنعتی شدند (وابسته صنعت و وابسته)

بطور کلی، مهاجرت روستائیان و نابسامانی کلی در کشاورزی، طی ۱۵ سال پس از اصلاحات ارضی، کار را بجای کشاند که کشور را با کمبود کامل مواد غذایی روبرو ساخت. با افزایش درآمد نفت، واردات مواد غذایی از مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۵۲ به ۱/۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۶ رسید، و این امر وابستگی کشور را پیش از پیش تشدید کرد. در طرح اولیه برنامه پنجم، برای بخش کشاورزی، ردمی معادل ۵/۵ درصد پیش‌بینی می‌گردد و در تجدید نظر برنامه، میزان رشد ۷ درصد پیش‌بینی شد. اما عملاً این رشد به ۵ درصد هم نرسید.

از طرف دیگر، اصلاحات ارضی، زمینهای مرغوب را در دست بزرگسالکان باقی گذاشت و زمین‌های نامرغوب را بین روستائیان تقسیم کرد. وامهای کشاورزی، با بهره‌های زیاد (۸٪)، روستائیان را زیر بار قرض قرار داد و آنها برای بازپرداخت وامها مجبور به مهاجرت به شهر و کار در کارخانجات صنعتی شدند گرانی خدمات کنت و فنی (کود، بنر، تراکتور و...) و قوانین و مقررات ظالمانه که هم از سوی دولت و هم از سوی اربابان پرمروستائی تحمیل میشد، از مسائلی بود که روستائی را به‌فرای «نان» آواره شهر کرد.

در توجیه خرابی وضع کشاورزی، شاه و مستشاران وقت کسر ارا رشد جمعیت و رشد مصرف را پنهانه قرار میدادند (۱) درحالیکه رشد جمعیت و رشد مصرف همه جا وجود دارد. کشاورزی صرفاً آنچنان کشاورزی است که بتواند خود را با رشد جمعیت و رشد مصرف موافق سازد.

### سیاستهای کشاورزی دولت موقت

اکنون به بررسی کارنامه سیاستهای کشاورزی دولت موقت انقلاب میپردازیم. در این نوشتار هدف، پاسخ به این سؤال است که در این ۸ ماه گذشته، تا چه حد مسائل اساسی کشاورزی ایران از قبیل مسئله ارضی، ظلم پولی (بهره سنگین وامهای دولتی)، قوانین و مقررات طاغوتی و... حل شده است. قبلاً گفتیم که منابع آماری این گزارش روزنامه‌های کثیرالانتشار و دفترهای آماری سازمانهای دولتی است. باید افزود که در تهیه اسام و ارقام صحیح، تهیه کنندگان این گزارش با یک مشکل همیشگی یعنی موجود نبودن آمار کافی و مورد اطمینان روبرو بوده‌اند. در سال جاری، کم‌کارهای ادارات و نبودن برنامه مشخص، و در نتیجه عدم انتشار آمارهای جدید، این مشکل را چند برابر کرده است. قسمت مهمی از ضعفهای این گزارش را باید بحساب مشکل یاد شده گذاشت و بقیه بحساب فقر علمی تهیه کنندگان است.

چشمگیرترین سیاست دولت موقت در بخش کشاورزی، عرضه وام پرمروستائیان در ماههای گذشته میباشد. در حقیقت، این، ساده‌ترین راه برای رسیدن به‌دفعی دستور است. غافل از اینکه ساده‌ترین راه، همیشه بهترین راه نیست. وام‌ها از طریق بانک تعاون کشاورزی عرضه شده و اکثرآ در بهره‌های بوده‌اند: بهره ۶٪ برای اعضای فرگتهای تعاونی و بهره ۸٪ برای روستائیان که عضو فرکت تعاونی نیستند. مدت بازپرداخت وامها مثل سابق ۱۵ سال است. هدف از اعطای این وامها، اسام و رسماً توسعه کشاورزی است ولی مصارف وامها توسط روستائیان نشان میدهد که قسمت این وامها در راه توسعه کشاورزی بکار نرفته است. وامها معمولاً برای مصارف زیر اعطالیده‌اند: مصارف جاری، آبیاری، باغداری، دامداری و دامپروری، پرورش طیور و ساختمان و تأسیسات روستائی. حال بهینم در هر مورد چه مقدار وام اختصاص داده شده است. برای نمونه، در سه ماهه اول اسامال، جمع کل وام پسرادختی و مصارف آن در استانهای پوشهر، مازندران، اصفهان و سیستان و بلوچستان و شهرهای اهواز، ایلام، میهنه، شهر کرد و چهارمحال بختیاری برقرار زیر است:

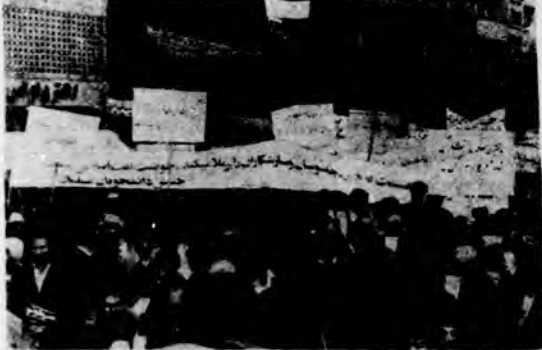
جمع کل وام پسرادختی (برابری)	مصارف جاری آبیاری	باغداری دامداری و دامپروری	پرورش طیور	تأسیسات روستائی
۱۳۷۱۱۰۰۰۰۰۰	۱۸۶۶۰۰۰۰۰۰	۲۲۱۱۰۰۰۰۰۰	۶۱۴۰۰۰۰۰۰	۱۰۹۰۰۰۰۰۰
۲۶۰۰۰۰۰۰۰	۲۲۴۰۰۰۰۰۰	۲۲۴۰۰۰۰۰۰	۲۲۴۰۰۰۰۰۰	۲۲۴۰۰۰۰۰۰

مأخذ: شماره‌های روزنامه جمهوری اسلامی در شش ماه اول سال جاری  
مبلغ پسرادختی جهت طرحهای نظارت دیده، در مقایسه با کل وام قابل توجه است. ارقام فوق نشان میدهد که وامهای نظارت شده، در حدود کمی از کل وام را تشکیل میدهد، بدین معنا که در این سه ماهه، وام پسرادختی جهت مصارف نظارت نشده (در مناطق مذکور)، کمتر از ۱٪ کل وام پسرادختی بوده است. این واقعیت نشان میدهد که وامها فقط بعنوان قرض مسکن برای دردهای روستا بکار میرفته و هرگز تحت یک برنامه کلی نظارت شده برای آبیاری کشاورزی، اعطال نشده است. از سوی دیگر، وام جهت «مصارف جاری»، رقمی فوق‌العاده را نشان میدهد و مقدار آن از تمام موارد دیگر (آبیاری، باغداری و...) بیشتر است. با توجه باینکه وام برای «مصارف جاری» معمولاً مصرف توسعه کشاورزی نمیشد، بلکه برای خرید وسائل منزل، جهیزیه عروس، پرداخت قروض و... مصرف میشود، بدین نتیجه میرسیم که اکثر این وامها که مقادیر قابل توجهی را تشکیل میدهند، در اصل روستا پسرادختی و رفکستگئی کشاورزی را درمان نکرده‌اند.

بهینم ترتیب، در ۶ ماهه اول سال جاری، مجموع وام پسرادختی برای «مصارف جاری» در استانهای همدان، آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان و اصفهان؛ شهرهای پوشهر، کتاباد، شهر ری، چالوس، خوی، بوکان، گلیاگان و فلاورجان، معادل ۱۱۶۷۲۰۰۰۰۰ ریال بوده که حدود ۱٪ کل وام پسرادختی را تشکیل میدهد. این ارقام نشان دهنده اینست که در ۶ ماهه اول سال جاری، حدود نیمی از وامها در راه توسعه کشاورزی صرف نشده، بلکه در راه «مصارف جاری» بهدر رفته است. از سوی دیگر اگر متوجه این موضوع باشیم که قسمت و گاه تمام وامی که یک روستائی جهت مصارف آبیاری، باغداری و... میگیرد مصرف مورد واقعی خود نمیرساند، بدین نتیجه خواهیم رسید که قسمت اعظم پولی که بانک تعاون کشاورزی در ماههای اخیر سرازیر روستاها کرده، هرگز در خود روستا سرمایه‌گذاری نشده، بلکه از دوباره از راههای مختلف (خرید کالاهای مصرفی و... توسط روستائیان) بهدر بزرگشته و وارد جریان اقتصاد سرمایه‌داری وابسته شده است.

### راهپیمایی جنبش دانشجویان مسلمان

— مبارزه ضد استعماری ایجاب می‌کند که برای مقابله با تحریم اقتصادی و خنثی کردن هرگونه توطئه از سوی امپریالیسم امریکا، بسیج توده‌ها به‌عنوان شرط اصلی موفقیت در مبارزه بوده و بانوجه به تحولات اخیر منطقه نسبت به توطئه امریکا علیه انقلاب ایران توسط عوامل داخلی «سرمایه‌داران وابسته فتودالیا



بخش وابسته ارتش — سازشگران — منافقین و مرتجعین — به ملت قهرمان ایران و به رهبری انقلاب هشداری می‌دهم و از امام خمینی می‌خواهیم که نسبت به طرد افراد سازشکار و غیرانقلابی از مصداق امور و مراکز تصمیم‌گیری زمینه را برای جایگزینی نیروهای انقلابی جایگزین نمایند.

در پایان افشای کلیه اسناد ومدارک جاسوخانه توسط خود دانشجویان و سپردن قضاوت به ملت مستعدیده و نیز سرعت بخشیدن به محاکمه جاسوسان امریکائی از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و نفی هرگونه مناسبات فتودالی و مالکانه در کشاورزی و سرمایه‌داری را خواستار بوده، بسیج توده‌های درامرتولید را شرط ضروری برای مقابله با تهدیدهای اقتصادی امریکا می‌دانیم.

در بیانیه‌ای که در ۱۶ دیماه ۵۸ از طرف جنبش دانشجویان مسلمان صادر شد ضمن حمله به مواضع سازشکارانه لیبرالیسم موضع دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در افشای اسناد و مدارک سرمایه داران وابستگان امریکا مورد تأیید قرار گرفت و ملت قهرمان و مبارز به راهپیمائی دعوت شدند.

این راهپیمائی روز یکشنبه، ساعت ۳ بعدازظهر از مسجد دانشگاه تهران با شرکت بیش از هزاران تن از خواهان و برادران شروع و پس از عبور از خیابانهای انقلاب، قدس، طالقانی، در ساعت ۵ به «لانه جاسوسی امریکا» رسید. در این راهپیمائی از دانشجویان و دانش‌آموزان سایر اقشار شرکت کرده و ضمن دادن شعار، حرکت‌های سازشکارانه، مسئولین داخلی و سیاست‌های امپریالیسم امریکا را محکوم کردند. در پایان قطعنامه‌ای صادر شد که در بخشی از آن آمده است: — اشغال لانه جاسوسی، خط بطلان بر سیاست‌های محافظه‌کارانه لیبرالها و مرتجعین کشید. از رشد تضادهای درون خلقی جلوگیری نموده، نیروهای ضد — استعمار جهانی را حول محور انقلاب بسیج نمود.

### سازنده دهقانان تا مرگ فتودالها

در راهپیمایی بیسابقه‌ای که روز چهارشنبه ۵ دیماه ۵۸، از سوی چندین هزار تن دهقانان محروم میهنمان برگزار شد، چیزیکه بیش از همه جلب توجه می‌کرد، داسهای بران و بیلهای برافراشته آنان بود که گویی هر لحظه آماده فرود آمدن بر فرق تمامی فتودالها و ملاکین بناحق زمین بود، ملاکین زالوصفتی که شکمهای گنده‌شان حکایت از بی‌رمی و به‌استضعاف کشاندن کشاورزان رنجیده ایرانی زمین دارند.

چنانکه از شعارهای کشاورزان برمیآید، انگیزه این راهپیمایی تأیید و پشتیبانی از عمل انضباطی آسای رها اصفهانی و ریشه‌کن کردن فتودالیسم بود. شعارهایی که فریاد کشیده میشد عبارت بود از: فتودال، فتودال، فتودال، مرگت فرا رسیده دهقان بهحق خود رسیده مستضعف پیروز است — فتودال نابود است.

هیچچنین در پلاکاردهایی که توسط راهپیمایان حمل میشد، این شعار جلب توجه می‌کرد: مبارزه با فتودالیسم، جدا از مبارزه با امپریالیسم نیست. در پایان قطعنامه‌ای از سوی دهقانان خوانده شد که قسمتی از آنرا ملاحظه می‌کنید: مبارزه با امریکائی جهانخور، دشمن شماره یک اسلام را به‌راه سایر اقشار ملت و با وحدت کلمه تحت رهبری سازش‌ناپذیر امام خمینی تا محو کامل وابستگیهای اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی ادامه خواهیم داد. تصرف شجاعانه لانه جاسوسی امریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام را که سرآغاز مبارزه نسوین ضد امریکائی ملت صاست قاطعانه تأیید نموده و اعتقاد راسخ داریم که با ام‌الفساد قرن، امریکائی خونخوار باید قاطعانه عمل کرده و حلات بی در پی و همه‌جانبه خود را بر پیکر پیوسیده امریکا وارد سازیم.

ارگانهای اجرایی، بخصوص شورای انقلاب مکلف است که با اقدامات سریع جهت درم کوبیدن پایگاههای امپریالیسم و افشای قراردادهای تنگین استعماری و شبکه‌های جاسوسی، جبران کوتاهی‌های گذشته را در جهت نابودی ایفای داخلی استعمار بنماید. امید آنکه تا محو کامل فتودالیسم و احقاق حقوق کشاورزان مبارز و انقلابی متحد به‌بیش روییم و چهره همه‌سازشکاران و حامیان فتودالها را رسوا کنیم.

### پیام هواداران جنبش مسلمانان مبارز در تبریز

به دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

بسم الله الرحمن الرحيم  
تهران — دانشجویان مسلمان پیرو خط امام — مستقر در لانه جاسوسی امریکا با سلام بر شما برادران مبارز و متعهد تصرف لانه جاسوسی امریکا، توسط شما برادران و خواهران متعهد توانست نقطه عطفی در مبارزات ضد امپریالیسم امت قهرمان ما بوجود آورد بدین است که در تداوم این مبارزات پسرهبری قاطع امام خمینی، پایگاههای داخلی امپریالیسم مستعمر گشته و با بسیج توده‌های مستضعف یک به‌سپک افشا و به‌حاکمیت تنگین آنان از میهنمان پایان خواهد داد. شما

### یاد شهید آیت‌الله غفاری

اسلام مکتب اینار و شهادت، با خون شهیدان راه تکامل انسانها، همیشه جاوید است. شهیدانی که زندگی را برای برپائی قانون الهی خراهند و لحظه، لحظه آنرا برای تکامل بسوی «الله» تا لقاءالله.

شهید آیت‌الله غفاری که سالگرد شهادتش را در عصر انقلاب اسلامی پامی کنیم، حساسه مقاومت در مقابل رژیم وابسته به امپریالیسم جهانی و مزدوران و دژخیمان چنایتکار را در زندان تا شهادت پیش برد. شهید غفاری با شهادتش بار دیگر پیام علمای متعهد و مبارز را همراه دیگر مجاهدان راه انقلاب اسلامی اعلام نمود. دستاورد مقاومت و شهادت آنان پیروزی انقلاب اسلامی ایران را ضمانت کرد. پیمان شهید جاوید و راه آن مجاهدان پایدار باد.

### بیاد استاد شهید، نجات‌اللهی

پنجم دیماه، سالگرد بخون غلغین استاد شهید کامران نجات‌اللهی است. سال گذشته در پی تحسینی که بسظنور اعتراض به‌قتل عام و کشتارهای رژیم شاهنشاهی، در محل وزارت علوم، از سوی استادان دانشگاه صورت گرفته بود، میرفت تا بار دیگر رژیم ددمنش رسواتر گردد و از طرفی چون دشمن کور و احمق است: تم بکم عیب و فهم لایسرحون تصمیم گرفته بود که برای فکستن تحسین از اسلحه زور و رعب استفاده کند، غافل از آنکه همین حریره ساعت تشدید مبارزه علیه خودش گسردید. چنین بسود که اسلحه‌های امریکائی بکار افتاد و مژ یکی از استادان را نشانه رفت و استاد نجات‌اللهی، بهخون غلغید. اسام نیز در مراسم بزرگداشت شهادت آن استاد هزاران تن در دانشگاه پلی‌تکنیک جمع کردند و پیمان آن شهید را گرامی داشتند.

پادش گرامی باد

### اعلامیه هواداران جنبش مسلمانان مبارز به پشتیبانی از اقدام ضد فتودالی سپاه پاسداران اهواز

بسم الله الرحمن الرحيم  
اکنون که مبارزات ضد امپریالیسمی خلق قهرمان ایران به رهبری امام خمینی عمق بیشتری یافته است هرچه نیروها و نهادهای مردمی و انقلابی است که جهت درم کوبیدن و پایگاههای داخلی امپریالیسم — فتودالیسم — سرمایه‌داری وابسته — لیبرالیسم و ارتجاع متحد شوند. اعلامیه اخیر سپاه پاسداران اهواز مبتی برصاحت از دهقانان محروم مستضعف و مبارزه با فتودالیسم گامی بزرگ در جهت بسیج توده‌ها برای مقابله با سبطان بزرگ امریکاست. ما ضمن پشتیبانی از مواضع اسلامی و ضدفتودالی برادران پاسدار، آمادگی خود را برای همکاری در بسیج و اجرای هرچه بهتر برنامه تقسیم زمین‌های بزرگ اعلام می‌داریم.

**هفته نامه امت شماره ۳۸**  
**چهارشنبه ۱۲ دی ۱۳۵۸**  
**۱۳۵۸ سال اول**  
**زیر نظر:**  
**شورای نویسندگان امت**  
**خیابان بهار شمالی نرس خیابان نامجو**  
**۸۲۴۹۸۴ — ۸۲۴۹۸۳**  
**چاپ فرکت هست دهه‌های ممت**

